

قطعه‌نامه در مورد تحولات تازه در شرایط سیاسی ایران و در صفوف اپوزیسیون

مصوب پلنوم ۶۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری، صفحه ۲



یادداشتی بر نمایش جنازه چرخانی حکومت

نظامی که میرود در پی رهبرش به خاک سپرده شود، صفحه ۵

جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در شرایط کنونی - یاشار سهندی صفحه ۹

نمایش جنازه ها و شکافها

شهلا دانشفر، صفحه ۳

دانشجویان دانشگاه شریف: به جای دیکتاتور، یاد جانباختگان دیماه را گرامی می‌داریم صفحه ۶

جنازه چرخانی قاتل عظماء و موج نفرت مردم صفحه ۶

اطلاعیه پایانی پلنوم ۶۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران صفحه ۷

آمران و عاملان دیماه خونین را به محاکمه میکشیم!

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، صفحه ۸

قطعه‌نامه درباره نقش مخرب جریان سلطنت طلب در جنبش سرنگونی

مصوب پلنوم ۶۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری، صفحه ۱۰

ادامه کارزار سه شنبه های نه به اعدام، تجمع کادر درمان مرکز بهداشت تبریز، کارگران کارخانه

ایران برک و اخباری دیگر صفحه ۱۱

قرار در باره گسترش مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

مصوب پلنوم ۶۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری، صفحه ۱۱

زن، زندگی، آزادی!

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۴۳

۱۵ تیر ۱۴۰۵

۶ ژوئیه ۲۰۲۶



دوشنبه ها منتشر میشود

هزینه سرسام آور جنازه

چرخانی - مهران محبی

صفحه ۴

خبرهایی از اعتراضات

کارگری و اجتماعی در هفته

ای که گذشت صفحه ۱۳

اعتراضات گسترده دانش

آموزان، تجمع بازنشستگان

مخابرات در سندج

صفحه ۱۱

مدیای اجتماعی

فریاد دادخواهی سوما دختر

کولبری که به قتل رسید

صفحه ۱۴

اخباری از اعتراضات در

زندانیها و دستگیریها و

احضارها، صفحه ۱۵

کیفرخواست علیه قتل عامی

هولناک، صفحه ۱۶

در شرایط مشخص امروز تعطیلی مشاغل اینترنتی و بستن تنگه هرمز از سوی رژیم و پیامدهای آن نظیر محاصره دریایی است. رژیم تلاش دارد در نتیجه و به بهانه جنگ و شرایط جنگی پایه های حکومت لرزان خود را در مقابله با مردم محکم کند.

۸- جریان سلطنت طلب، که پس از خیزش دی ماه و جنگ اخیر نفوذ بیشتری در جامعه و بخصوص در میان دیاسپورای ایرانی یافته و عقبگردی را در فضای سیاسی ایجاد کرده بود، به دلیل بی پایگی و بی ربطی تبلیغات و وعده هایش به اوضاع جامعه و فعالیتهای نازل سیاسی هر روز بیشتر رنگ می بازد. سلطنت طلبان بمعنی صریح کلمه دیدگاه و سیاستهای ارتجاعی، ارتجاعی به معنی بازگشت به دیکتاتوری سلطنتی ۵۰ سال قبل، را نمایندگی میکنند، اما گرایش بخشی از مردم به این جریان بیشتر ناشی از تصور امکان سرنگونی رژیم با کمک قدرتهای غربی است، نه پذیرش برنامه سیاسی شان. در عمل، سلطنت طلبان مانعی در برابر جنبش انقلابی مردم به شمار میروند.

۹- در بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون گرایش هایی شکل گرفته که با آرمانهای برابری طلبانه و آزادی خواهانه جنبش زن، زندگی، آزادی فاصله زیادی دارد. تاکید بر آزادی و برابری و همسرنوشتی همه مردم ایران که از جمله در شعار خیابانی کرد بلوچ آذری آزادی و برابری بازتاب می یافت، و شعارهایی که امیال و خواسته های مشترک و بر حق توده مردم سراسر ایران را نمایندگی میکرد، عملاً جای خود را به تاکید بر هویت های قومی انتیکی تحت عنوان تکثرگرانی داده است. این دیدگاه در واقع بر فدرالیسم قومی و نوعی دموکراسی موزائیکی پست مدرنیستی مبتنی است.

۱۰- طرح مباحث پست مدرنیستی که بر فضای سیاسی جاری سایه انداخته است عکس العملی به مواضع شونویستی سلطنت طلبان است. اما در یک سطح پایه ای تر این تحولات در میان صفوف اپوزیسیون خود از پیشروی و پالایش جنبش سرنگونی طلبانه مردم و تقابل منافع و چشم اندازهای طبقاتی مختلف در سطح جامعه ناشی میشود. ارتجاع سلطنتی به مقابله با مضمون چپ جنبش زن زندگی آزادی برخاسته و به همراه خود بحث و گفتمان در فضای سیاسی بخش وسیعی از اپوزیسیون را هم تنزل داده است.

۱۱- شرایط "نه جنگ نه صلح"، تفاهم نامه شکننده و تداوم مذاکرات بمدت ۶۰ روز نوعی انتظار و بلا تکلیفی در جامعه ایجاد کرده است. اما با ختم این شرایط برزخی فعلی فضای سیاسی و دینامیسم حرکت های اعتراضی کاملاً به نفع مردم و به ضرر حکومت تغییر خواهد کرد.

۱۲- با وجود همه دشواری ها، نشانه های رشد دوباره اعتراضات دیده می شود؛ از اعتراضات دانش آموزان و دانشجوستان و کارگران تا فعالیت خانواده های دادخواه و تشکلهای جنبش زن، زندگی، آزادی. جامعه همچنان در وضعیتی انفجاری قرار دارد و با پایان وضعیت برزخی کنونی، بی تردید مبارزات سرنگونی طلبانه بار دیگر به محور تحولات سیاسی تبدیل خواهد شد.

۱۳- در شرایط حاضر ارتجاع سلطنتی مانعی مهم بر سر راه گسترش و تقویت جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم است. دیدگاه و گفتمان پست مدرنیستی حاکم بر فضای اپوزیسیون نیز عملاً صف انقلاب و آرمانها و خواسته های انسانی و آزادی خواهانه مردم را به عقب میکشد. جنبش سرنگونی تنها با نقد و خشی کردن این فضا و گرایشات و با تاکید بر هویت انسانی همه مردم ایران و با اهداف و آرمانهایی که در بیانه ها و منشورهای انقلاب زن زندگی آزادی بیان شده است میتواند گسترش بیابد و به پیروزی برسد.

حزب کمونیست کارگری در کنار فعالیتهای پیگیر و همیشگی اش برای تقویت و سازماندهی مبارزات میدانی بخش های مختلف جامعه و صفوف انقلاب، با تمام توان در جهت رفع این موانع و برافراشتن پرچم زن زندگی آزادی مبارزه میکند.

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۶ تیرماه ۱۴۰۵ - ۲۷ ژوئن ۲۰۲۶

قطعه نامه در مورد تحولات تازه در شرایط سیاسی ایران و در صفوف اپوزیسیون مصوب پلنوم ۶۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

۱- طی سال گذشته (از آغاز جنگ ۱۲ روزه تا امروز) شرایط، فضا و چشم انداز سیاسی در ایران کاملاً متحول شده است. مشخصاً کشتار دیماه، جنگ و عروج سلطنت طلبان سه عامل اصلی تغییر شرایط سیاسی ایران هستند.

۲- نکاندهنده ترین، بی سابقه ترین و فاجعه بار ترین تحول سیاسی در ایران معاصر در دیماه ۱۴۰۴ رخ داد. جمهوری اسلامی، که بدنبال خیزش توده ای دیماه موجودیت خود را در خطر میدید، با کشتار هزاران نفر در عرض ۴۸ ساعت یکی از وحشیانه ترین قتل عامهای تاریخ معاصر را رقم زد. این کشتار آخرین تیر ترکش یک رژیم مفلوک و درمانده برای حفظ سلطه خود بر دریای خشم و تفر یک جامعه پیاخته بود. اما از سر گرفته شدن مجدد اعتراضات یک هفته پس از این کشتار، نشان داد که توحش حکومت حتی بطور موقت هم نتوانسته است جامعه را آرام کند.

۳- حملات نظامی آمریکا و اسرائیل در خرداد و اسفند ۱۴۰۴ که عمدتاً سران حکومت و سپاه و مراکز نظامی را هدف قرار داده بود گرچه فضای اعتراضی در ایران را تحت الشعاع قرار داده و باعث شده است در رسانه ها و در افکار عمومی در ایران و جهان جنگ مردم با حکومت به حاشیه رانده شود، اما جمهوری اسلامی را، هم از نظر نظامی و هم سیاسی و اقتصادی، بسیار تضعیف کرده است. صفوف حکومت با حذف خامنه ای بهم ریخته تر و نامنسجم تر از گذشته است، از نظر اقتصادی کاملاً ورشکسته شده است و از لحاظ سیاسی نیز موقعیت بسیار ضعیف تری در منطقه و در جهان یافته است.

۴- جمهوری اسلامی از بدو بقدرت رسیدنش با سیاستهای غریبستانه، ضدآمریکائی گری، و موضع رسمی نابودی اسرائیل، و بویژه با حمایت فعال از نیروهای تروریستی در جهت این اهداف، عامل اصلی ایجاد شرایط خصمانه و تنش جنگی بوده است. جنگ ۱۲ روزه و ۳۹ روزه در ادامه این سیاستهای جنگ افروزانه، که برای حکومت جایگاهی هویتی و استراتژیک دارد، رخ داد و از این رو تا زمانی که جمهوری اسلامی در قدرت است شرایط و فضای جنگی، که اکنون به چرخه جنگ-مذاکره-جنگ، تبدیل شده است کماکان ادامه خواهد داشت.

۵- برزخ نه جنگ نه صلح و تفاهم نامه حاصل از آن فضا و تنش جنگی را پایان نداده است. تفاهم نامه اساساً بر سر باز شدن تنگ هرمز است و به مسائلی که باعث جنگ شد نپراخته است. این مسائل به ادامه مذاکرات که قرار است در دومه آتی به فرجام برسد احاله شده است. از این رو مذاکرات و شرایط بی ثبات و نامعین نه جنگ نه صلح حداقل تا دومه دیگر ادامه خواهد داشت.

۶- جمهوری اسلامی که نفس سرنگون نشدنش در اثر جنگ را پیروزی خود میداند تلاش میکند تا به ازای باز کردن تنگه هرمز به شرایط دیگر آمریکا تن ندهد و حتی امتیازات بیشتری بدست آورد. از سوی دیگر رژیم میخواهد هم از شرایط تنش جنگی و هم توافق احتمالی با آمریکا برای تقویت موقعیت لرزان خود در مقابل مردم استفاده کند و به خیال خود "خطر" خیزش مجدد مردم را خنثی نماید.

۷- جنگ و پیامدهای آن زندگی مردم را دشوارتر کرده است. سرکوب، اعدام، گرانی، بیکاری و محدودیت های امنیتی افزایش یافته اند. بخش مهمی از این مشکلات، از گسترش بازداشتها و اعدامها تا قطعی و محدودیت اینترنت و حکومت نظامی اعلام نشده، از مصائب مستقیم جنگ نیست بلکه ناشی از سیاستهای ضد مردمی حکومت به بهانه جنگ است. حتی عامل اصلی تشدید گرانی و بیکاری و شرایط معیشتی غیر قابل تحمل



نمایش جنازه ها و شکافها

شهلا دانشفر

یک هفته آیین‌های پرهزینه و پرسروصدای حکومتی برای تشییع و «جنازه‌گردانی» خامنه‌ای، بار دیگر شکاف عمیق میان روایت رسمی حکومت و واقعیت زندگی جامعه را آشکار کرد.

هدف حکومت از این مراسم، نمایش ثبات، وحدت، انسجام و تداوم نظام برای نیروهای خودی و متحدان منطقه‌ای، و هم‌زمان ارباب جامعه و تشدید فضای امنیتی بود. اما واقعیت، تصویری کاملاً متفاوت را به نمایش گذاشت.

در همان ساعاتی که رسانه‌های حکومتی از «اجماع ملی» سخن می‌گفتند، جوانان و خانواده‌ها در پارک باغمیشه تبریز به شادی و تفریح مشغول بودند. هم‌زمان، موج سفرهای تفریحی به شمال کشور و ترافیک سنگین آزادراه تهران-شمال و جاده چالوس، صحنه‌هایی را رقم زد که مردم آن را به کارناوال شادی و «هپی ارتحال ۲» تبدیل کردند.

در چهاردهم تیرماه، بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش نیز در ادامه یکشنبه‌های اعتراضی خود، بار دیگر علیه وخامت روزافزون وضعیت معیشتی و بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان تجمع کردند. آنان با خواندن سرود «زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی» بر تداوم مبارزه و ایستادگی تأکید کردند.

در دانشگاه‌ها نیز صدای دادخواهی خاموش نشد. دانشجویان دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف، شامگاه یازدهم تیرماه، با نصب برتری با عنوان «به جای دیکتاتور، یاد جان‌باختگان دی‌ماه را گرامی می‌داریم» یاد قربانیان دی‌ماه خونین را زنده نگه داشتند. آنان در بیانیه خود نوشتند: «ما دانشجویان دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف اعلام می‌کنیم که به جای شرکت در تشییع جنازه رهبر سابق، به یاد دوستانمان و همه قربانیان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴ که به دستور او به قتل رسیدند، بادکنک‌های سفید با نوشته «دی ۱۴۰۴» را به آسمان خواهیم فرستاد. از همه دوستان در تمامی دانشگاه‌ها دعوت می‌کنیم به ما بپیوندند تا یاد این عزیزان را گرامی بداریم. بیایید به دنیا نشان دهیم که دانشجو فراموش نمی‌کند و ساکت نمی‌نشیند».

در ادامه، بیانیه «دادخواهان دی‌ماه خونین» با عنوان «کیفرخواست علیه قتل عامی هولناک» حلقه مفهومی این رخدادها را تکمیل کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: «از خاک‌سپاری شریف‌ترین انسان‌ها، جوان‌ها می‌رویند» و «گورسپاری جنایتکاران، حکم نابودی شریان پلیدی‌هاست».

دادخواهان در این بیانیه بر ضرورت محاکمه سران حکومت تأکید کرده و نوشته‌اند: «کیفرخواست ما علیه جنایتکاران قاتل، پرچم دادخواهی ماست. اجازه نمی‌دهیم نام و یاد عزیزانمان به فراموشی سپرده شود. اجازه نمی‌دهیم بشریت چشم خود را بر هولناک‌ترین قتل‌عام خیابانی توسط یک حکومت ببندد. ما، دادخواهان، همراه با همه مردم معترض، خواهان محاکمه و مجازات تمامی آمران و عاملان کشتار دی‌ماه و همه جنایت‌های چند دهه جمهوری اسلامی هستیم. پرونده کشتار دی‌ماه ۱۴۰۴ و جنایت‌های جمهوری اسلامی باید به دادگاه‌های بین‌المللی ارجاع شود و علیه عاملان آن اعلام کیفرخواست گردد».

بدین ترتیب، از تبریز تا دانشگاه شریف، از جاده‌های شمال تا یکشنبه‌های

اعتراضی شوش، نشانه‌های روشنی از شکست پروژه «سوگواری برای قاتلان» و تبدیل اوضاع به «قرباد دادخواهی» علیه قاتلان اسلامی قابل دیدن بود. این رخدادها تنها گوشه‌ای از خشم انباشته جامعه و اراده دادخواهی میلیون‌ها انسانی را بازتاب می‌دهد که پس از دی‌ماه خونین، نه سکوت کردند و نه فراموش.

مردمی که در دی‌ماه ۱۴۰۴، در اعتراض به نابودی معیشت، فقر، تبعیض، استثمار، سرکوب و جنایت‌های حکومت، با شعارهایی چون «فقر، فساد، گرونی، می‌ریم تا سرنگونی»، «مرگ بر خامنه‌ای» و «مرگ بر دیکتاتور» به خیابان آمدند، با سرکوبی خونین روبه‌رو شدند؛ اما دادخواهی آنان همچنان ادامه دارد.

این مراسم‌ها همچنین شکاف‌های عمیق درون حکومت و موقعیت تضعیف‌شده آن در منطقه را آشکار کرد.

در مراسم اقامه نماز میت در مصلاي تهران که با تدابیر شدید امنیتی، تعطیلی سراسری کشور و حضور حامیان حکومت برگزار شد، بسیاری از چهره‌های شاخص جمهوری اسلامی غایب بودند. دو رئیس‌جمهور پیشین، محمد خاتمی، و حسن روحانی در مراسم حضور نداشتند. مجتبی خامنه‌ای در انتظار عمومی ظاهر نشد و حسن خمینی نیز هم‌زمان با آغاز پخش برنامه، مراسم را ترک کرد. افزون بر این، شماری از مراجع تقلید شناخته‌شده نیز از اقامه نماز میت خودداری کردند. در سطح خیابان نیز هواداران و باندهای مختلف حکومتی با شعارهایی علیه یکدیگر صف‌آرایی کردند.

در عرصه بین‌المللی نیز انزوای حکومت به‌وضوح نمایان بود. از میان پانزده کشور همسایه ایران، تنها پاکستان، ارمنستان و عراق در سطح رئیس‌دولت یا مقام ارشد اجرایی در مراسم حضور یافتند. روسیه و چین، که حکومت از آنان به‌عنوان شرکای راهبردی خود یاد می‌کند، نماینده‌ای در سطح عالی اعزام نکردند. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز غایب بودند و واتیکان، به‌عنوان مرکز کاتولیک‌های جهان، نماینده‌ای به مراسم نفرستاد.

مجموع این رخدادها تصویری روشن از موقعیت تضعیف‌شده حکومت و فضای ملتهب و انفجاری جامعه ارائه می‌دهد. پروژه‌ای که قرار بود نمایش اقتدار و انسجام باشد، در عمل به ضد خود تبدیل شد؛ واقعیتی که حتی برخی رسانه‌های حکومتی نیز ناگزیر به اذعان آن شدند. از جمله، «رویداد ۲۴» در گزارشی نوشت: «مراسم وداع در مصلاي تهران، با تمام فراز و فرودها و تدابیر امنیتی‌اش، آینه‌ای تمام‌نما از وضعیت امروز ساختار سیاسی ماست. واقعیت آن است که پیوند زدن مشروعیت یک نظام به مناسک چندروزه، بدون ترمیم شکاف‌های عمیق داخلی و بازتعریف روابط بین‌المللی، نمی‌تواند راهبرد پایداری برای عبور از بحران باشد».

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!



هزینه سرسام آور جنازه چرخانی - مهران محبی

پروژه جنازه چرخانی رژیم که قرار بود از روز ۱۳ تیر آغاز شود، عملاً از روز ۱۱ تیر شروع شده و سران جمهوری اسلامی قصد دارند تا به گفته محمدرضا عارف معاون پزشکیان، آن را به یکی از مهمترین حوادث قرن بیست و یکم تبدیل کنند. واضح است که همه تلاش حکومت این است که از مجال دست یافته اش برای چرخاندن تابوت خامنه ای استفاده کند تا با گردآوری حامیان داخلی و منطقه ای خود در تهران و قم و مشهد، و همچنین در چند شهر عراق، شکست نظامی و بحران سیاسی و مشروعیتی داخلی و انزوای بین المللی اش را پنهان کند و در نهایت برای حفظ بقا نمایش انسجام و اقتدار برگزار کند، ولی به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. چون قبل از هر چیز تدفین خامنه ای بعد از ۴ ماه از کشته شدن اش در نتیجه شلیک ده ها موشک از سوی جنگنده های اسرائیلی، خود گواه معتبری از این واقعیت است که رژیم همچنان از ضربات نظامی و امنیتی ای که در جریان جنگ خورده، قد راست نکرده است. بنابراین با هیچ نمایش و تقلا تبلیغاتی ای نمی تواند این واقعیت را انکار کند که در وحشت از مورد حمله قرار گرفتن مراسم تشییع و خاکسپاری خامنه ای (اگر جنازه ای موجود باشد) جرأت نکرده است مراسم برگزار کند و اگر بعد از بیش از دو ماه و نیم ماه آتش بس اقدام به جنازه چرخانی می کند، همانطور که ترامپ همزمان با برگزاری مراسمات وداع با تابوت خامنه ای گفته علت اش مجال یک هفته ای است که از سوی نتانیاهو و ترامپ به رژیم داده شده تا چه واقعی و چه سمبلیک رهبرش را زیر خاک کند.

از جنبه داخلی و تلاش برای سرپوش نهادن بر بحران مشروعیتی اش هم از پیش معلوم بود که "شکست خورده" است. با شروع عزاداری حکومتی، روز پنجشنبه ۱۱ تیر جاده های ارتباطی تهران و کرج به شهرهای شمالی حامل ترافیک سنگینی از ماشین های مردمی بودند که برای تفریح و دوری از سر و صدای آزار دهنده عزاداری برای خامنه ای عازم شمال شده بودند. در بقیه شهرها نیز مردم علی رغم تلاش های وسیع تبلیغاتی برای حاکم کردن فضای عزا و ماتم، سعی می کنند به روش های گوناگون از قبیل بلند کردن صدای موسیقی های شاد در ماشین ها و پوشیدن لباس های رنگی بویژه توسط زنان، مقابله کنند. فضای دانشگاه ها هم در این ایام شدیداً قطبی شده است. در حالیکه جهاد دانشگاهی و بسیج اساتید و بقیه نهادهای حکومتی در حوزه دانشگاهی از دانشجویان برای شرکت در تابوت چرخانی رهبرشان دعوت کرده اند، دانشجویان دانشگاه شریف بیانیه داده اند که به جای شرکت در تشییع خامنه ای، به یاد دوستانشان و تمام قربانیان اعتراضات دی ۱۴۰۴ که با دستور وی به قتل رسیده اند، بادنک سفید با نوشته "دی ۱۴۰۴" به هوا رها خواهند کرد و از همه دانشجویان در همه دانشگاه ها خواسته اند که برای گرامیداشت یاد آن عزیزان به آنها بپیوندند. این فراخوان تاکنون توسط دانشجویان دانشگاه پیام نور شهریار با رها کردن بادنک های سفید با نوشته "دی ۱۴۰۴" پاسخ داده شده و انتظار می رود دانشجویان دانشگاه های بیشتری به آن بپیوندند.

در عرصه بین المللی نیز حکومت برای اعتبار خریدن و کاستن از انزوای اش سرش به سنگ خورده است. تا روز یکشنبه ۱۴ تیر، دومین روز از تابوت چرخانی در تهران (دومین روز از سه روزی که قرار است سران و مقامات دولت های دعوت شده به دیدن تابوت خامنه ای بیایند) کمتر از ۲۰ دولت که شامل طالبان افغانستان و دولت های مستقل شده جنوب روسیه و عربستان و قطر و عمان و چند دولت عربی دیگر در منطقه خارج از حوزه خلیج فارس که جایگاه چشمگیر و مؤثری در روابط بین المللی ندارند، به تهران سفر کرده اند. قابل توجه است که سه دولت چین و روسیه و ترکیه که از هم پیمانان و نزدیکان جمهوری اسلامی هستند بعلاوه عربستان

نمایندگانی در رده های پائین خود را به تهران فرستاده اند؛ در حالیکه به گفته بقائی سخنگوی وزارت خارجه رژیم از ۱۰۰ کشور برای شرکت در مراسم وداع با تابوت خامنه ای دعوت شده اند و این، چیزی جز نشان دادن بی اعتباری موقعیت جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی و منطقه ای را عیان نمی کند. البته باید نمایندگان گروه های تروریستی مانند حزب الله و جهاد اسلامی و حماس، و حوثی ها و حشدالشعبی را به لیست حضور یافتگان به اصطلاح منطقه ای و بین المللی در مراسم اضافه کرد. به این ترتیب جمهوری اسلامی تاکنون در رسیدن به اهداف خود از تابوت چرخانی خامنه ای با وجود هزینه های هنگفت و باور نکردنی مالی شکست خورده و در چند روز باقی مانده که قرار است تابوت را به میان مزدوران و آدمکشان حشدالشعبی و غیره در عراق ببرند، چیزی جز رسوایی و ایجاد نفرت و انزجار داخلی و بین المللی بیشتر عایدش نخواهد شد.

اما این جنازه چرخانی یک هزینه نجومی دارد که باید مردم با تجربه فقر و فلاکت بیشتر پرداخت کنند. صدها میلیون دلار یا هزاران میلیارد تومانی هزینه این تابوت چرخانی. کافی است که به چند مورد از اقداماتی که در جهت تأمین نیازهای داروئی و غذائی و تسهیلات بیمه ای و تأمین امنیت و غیره برای به اصطلاح زائران و مهمانان دعوت شده، انجام گرفته نگاهی گذرا کنیم تا متوجه عمق بریز پیاش های این جانینان از حقوق مردم برای ساختن تصویری وارونه از شکست و درماندگی همه جانبه حکومت شان در اذهان جوامع بیرونی و مهمتر از آن روحیه دادن به مزدوران روحیه باخته شان شویم:

دوازده هزار تن کالای اساسی شامل ۳ هزار تن برنج، ۲ هزار تن روغن و شکر و قند و سایر اقلام اساسی و ۴ هزار تن مرغ و گوشت منجمد در اختیار موکب های تهران قرار داده شده است و قرار است با استقرار ۲۰ نانوائی سیار در مسیرهای برگزاری مراسم و همچنین با خریداری از نانوائیان تهران، ۲ میلیون قرص نان به موکب ها تحویل داده شود.

همه شرکت کنندگان در مراسمات تشییع خامنه ای از ساعت ۶ روز ۱۲ تیر تا یک ساعت بعد از پایان خاکسپاری مشمول بیمه عمر و حوادث معادل دیه ماه حرام (دو میلیارد و پانصد میلیون تومان) برای فوت و ۵۰۰ میلیون تومان هزینه پزشکی خواهند بود و بیمه ایران متقبل پرداخت کلیه تعهدات شده است.

استقرار ۱۵۰ هزار نیروی نظامی و انتظامی در مکان ها و مسیرهای برگزاری مراسمات برای تأمین امنیت.

لازم به ذکر است که موارد اول و دوم بعلاوه خیلی از موارد دیگر مانند استقرار بیمارستان های سیار و بکارگیری هزاران اتوبوس بین شهری و قطارها، و حلال احمر و صدها آمبولانس و غیره که در گزارشات نهادهای مرتبط با برگزاری مراسمات به طور کلی و بدون شرح جزئیات اشاره شده اند، فقط برای تابوت چرخانی سه روزه در تهران است. هنوز گزارشی از میزان اقلام کالا و ماشین آلات و غیره که برای مراسمات در قم و مشهد و چند شهر مذهبی عراق مصرف یا بکار گرفته خواهند شد، رسماً ارائه نشده است. اما گزارشات غیر رسمی حکایت از ارسال ۳۰ میلیون دلار به



یادداشتی بر نمایش جنازه چرخانی حکومت

نظامی که میرود در پی رهبرش به خاک سپرده شود

ریشه این بحران هم مثل همیشه توده مردم خشمگین و جان به لب رسیده ای هستند که برای بزرگداشت قاتلان حاکم لحظه شماری میکنند. آخرین نمونه های فوران این خشم، همزمان با جنازه چرخانی های حکومت، اظهار شادی شبانه مردم تهران، رقص و شادی

مردم در راه شمال با عنوان "هیپی ارتحال ۲"، و کامنتها و کلیپهای طنز آمیز و ضد حکومتی مردم در مدیای اجتماعی است. فراخوان دانشجویان دانشگاه شریف با عنوان "به جای دیکتاتور، یاد جانبازان دیمه را گرامی می‌داریم!" نیز نمونه دیگری از برخورد و موضع توده مردم به نمایشات حکومتی است. چند روز قبل از آغاز مراسم جنازه چرخانی نیز شاهد تبدیل مراسم عاشورا به مراسم دادخواهی و بزرگداشت جانبازان کشتار دیمه از جانب مردم خشمگین بودیم.

واقعیت آنست که جنایات جمهوری اسلامی در تمام مدت حاکمیتش و بویژه دریای خونی که در دیمه به جاری کرد برای همیشه رابطه کل جامعه با جنایتکاران حاکم را به جنگ و مقابله ای آشتی ناپذیر و پیگیر بدل کرده است. مردم از هر فرصتی برای ابراز اعتراض و خشم و انزجار خود علیه قاتلین عزیزانشان استفاده میکنند و این روند بی شک گسترده تر و رادیکال تر خواهد شد.

سایت حکومتی رویداد ۲۴ از "خلاها و غیبت‌های معنادار" در مراسم جنازه چرخانی می‌نالد، اما این هنوز از نتایج سحر است، باش تا صبح دولت "خلاء و غیبت" کل نظام منحوس جمهوری اسلامی فرا برسد.

حمید تقوایی-۱۴ تیر ۱۴۰۵

حواشی مراسم جنازه چرخانی خامنه ای از خود قضیه مهمتر بود. بعد از ۴ ماه بالاخره نمایش رسوای جنازه چرخانی را کلید زدند اما حتی در دل همین مراسم تهوع آور نتوانستند اختلافات و کشمکش‌های دامن حکومتشان را گرفته است پنهان کنند. سایت حکومتی رویداد ۲۴ در تحلیل نسبتاً مفصلی از "غیبت معنادار" مجتبی خامنه ای و دیگر اعضای زنده مانده بیت رهبری و حتی عدم دعوت از رئیس‌جمهورهای سابق (خاتمی و احمدی‌نژاد و روحانی) در مراسم مصلی تهران نالیده است، به بررسی علل عدم شرکت مقامات سایر دولتها و "دیپلماسی کم‌فروغ و پیام سرد شرکای راهبردی"، "جای خالی اهل سنت و زنان" و غیره پرداخته است، و در آخر نتیجه گرفته است که "واقعیت آن است که پیوند زدن مشروعیت یک نظام به مناسک چند روزه، بدون ترمیم شکاف‌های عمیق داخلی و بازتعریف روابط بین‌المللی، نمی‌تواند راهبرد پایداری برای عبور از بحران باشد".

اما این نمایش نشانه ای نه از عبور از بحران بلکه نمایانگر تداوم و تعمیق آن بود. اساس بحران و "شکاف‌های عمیق داخلی" حکومت نه مناسبات بین جناحهای حکومتی و یا رابطه شان با غرب و دول منطقه، بلکه رابطه شان با خود مردم در ایران است. مردم ایران مدتها قبل از جنازه چرخانی قاتل عظمی او و نظامش را به خاک سپرده بودند. شعار "مرگ بر خامنه ای" که سالها در خیزشهای توده ای علیه جمهوری اسلامی سر داده میشد معنایی بجز بخاک سپردن کل نظام جمهوری اسلامی نداشت. اکنون مقامات باقیمانده حکومت بدنبال حذف رهبرشان تلاش میکنند از حذف کل نظامشان جلوگیری کنند اما هر چه بیشتر تلاش میکنند بیشتر در بحران فرو میروند. "ولی فقیه" جدیدشان حتی اگر زنده و سالم باقی مانده باشد نه ولی است و نه فقیه. نه از نظر شرعی مشروعیتی دارد و نه از نظر سیاسی از اتوریته و نفوذی حتی در میان اصولگرایان حکومتی برخوردار است. و این خلاء اتوریته و بقول خودشان "فصل الخطاب"، اساس بهم ریختگی و کشاکش و شکاف‌های عمیق میان مقامات باقیمانده حکومت است.

هزینه سرسام آور...

از صفحه ۴

عراق برای هزینه تابوت چرخانی یک روزه در چند شهر آن دارند.

این هزینه های هزاران میلیارد تومانی برای یک جنازه چرخانی در حالی صرف می شود که بخش وسیعی از مردم جامعه که از قبل بیکار بوده یا در اثر جنگ 39 روزه کار و امکان کسب حداقل درآمد خود را از دست داده اند، از هیچ گونه تسهیلات بیمه ای و کمک های دولتی برخوردار نیستند و به همراه همه کارگران و مردم محرومی که سطح زندگی شان بارها زیر خط فقر است در تأمین هزینه های اجاره خانه و هزینه های خورد و خوراک و درمان به طور واقعی درمانده هستند.

برای جمهوری اسلامی بقاء خود بر هر ضرورتی برای رفاه و تأمین زندگی و حتی زنده ماندن مردم اساسی تر است. این حکومت حاضر است همه چیز انسان ها را فدای ادامه حیات خود کند. نه از تلاشی کردن شیرازه جامعه با تحمیل فقر و گرانی بی سابقه ای دارد و نه از کشتار و قتل عام و اعدام و زندان.

این حکومت را باید سرنگون کرد تا دست جنایتکارش از قتل و کشتار و دستبرد به زندگی مردم کوتاه شود و مردمی که میان این رژیم و خود دریائی از خون را می بینند این کار را خواهند کرد. بنابراین نه این جنازه چرخانی و نه هیچ تقلائی مذبحخانه دیگری رژیم را از سرنگونی نجات نخواهد داد، بلکه مردم متفرد و خشمگین را بیشتر از پیش مصمم و منسجم برای پایان دادن به

در کنار هم، بیرومندتریم.

اگر می‌خواهید
از سر جمهوری اسلامی رهایی یابید؛

اگر می‌خواهید
در جامعه‌ای آزاد، برابر و عاری از ستم و تبعیض زندگی کنید؛

اگر می‌خواهید
از آموزش و درمان رایگان و باکیفیت برخوردار باشید؛

اگر می‌خواهید
شکجه، زندان، اعدام و سرکوب، دیگر جان انسان‌ها را نکیرد؛

و اگر باور دارید
که تنها با قدرت و اتحاد مردم می‌توان این آرزوها را به واقعیت تبدیل کرد؛

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید.

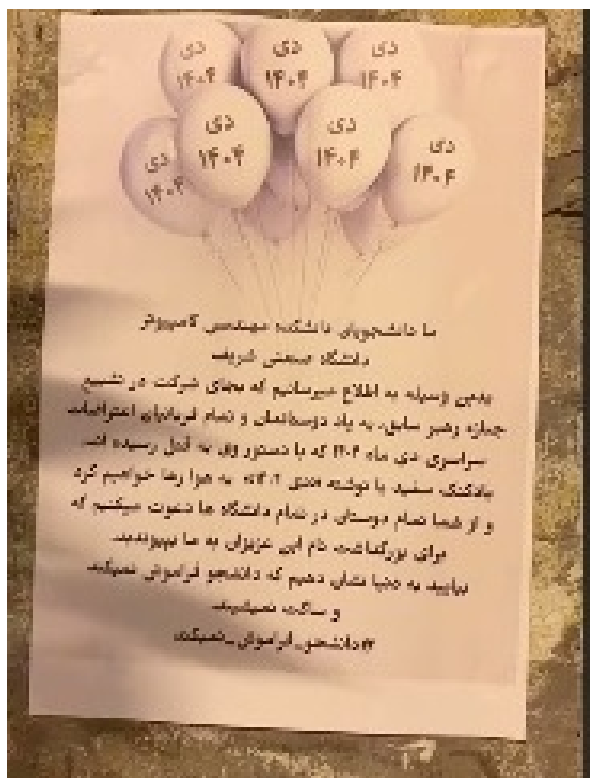
ما باور داریم که تنها با همبستگی، سازمان‌یابی و مبارزه متحدانه می‌توان جمهوری اسلامی را به زیر کشید و جامعه‌ای آزاد، برابر، مرفه و انسانی بنا کرد.

با هم، آینده را می‌سازیم.

آدرس‌های تماس و عضویت در حزب:

پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas

واتس‌آپ و تلگرام: 0046700447425



دانشجویان دانشگاه شریف: به جای دیکتاتور، یاد جانباختگان دیماه را گرامی می‌داریم

امروز دوازده تیر حکومت اسلامی مراسم جنازه گردانی و دفن خامنه ای را به جریان انداخت. چهار ماه بعد از کشته شدن او قرار است از فردا سیزدهم تا هجدهم تیرماه جنازه وی در چند شهر ایران و عراق به گردش در بیاید و برای نمایش تهوع آور هزینه های میلیاردی سنگینی صرف شده و در کارخانجات و ادارات اعلام تعطیلی شده است با این هدف که زیر فشار تهدیدات امنیتی بخشی از مردم را به خیابان بیاورند. هدف اصلی حکومت از برپایی این مضحکه ایجاد فضای رعب با به میدان کشیدن اوباش کف بر دهان آورده و مزدوران و نیروهای سرکوب است.

مردم اما به هیچ وجه کشتار دیماه خونین را که به فرمان خامنه ای جلاد انجام گرفت فراموش نمیکنند، و علیرغم فضای امنیتی ای که ایجاد شده خشم و اعتراض خود را ابراز میکنند. در این راستا دانشجویان دانشگاه شریف در شامگاه یازدهم تیرماه بنری با عنوان "به جای دیکتاتور، یاد جانباختگان دیماه را گرامی می‌داریم!" فریاد دادخواهی دیماه خونین را سر دادند. در بخشی از بیانیه این دانشجویان چنین آمده است: "ما دانشجویان دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف بدینوسیله به اطلاع می‌رسانیم که بجای شرکت در تشییع جنازه رهبر سابق، به یاد دوستانمان و تمام قربانیان اعتراضات سراسری دی ماه ۱۴۰۴ که با دستور وی به قتل رسیده‌اند، بادکنک سفید با نوشته «دی ۱۴۰۴» (به هوا رها خواهیم کرد و از شما تمام دوستان در تمام دانشگاه ها دعوت می‌کنیم که برای بزرگداشت نام این عزیزان به ما بپیوندید. بیاید به دنیا نشان دهیم که دانشجو فراموش نمی‌کند و ساکت نمی‌نشیند." از سوی دیگر بسیاری از مردم از تعطیل اعلام شده برای مراسم جنازه چرخانی

دیکتاتور منفور استفاده کرده و راهی شمال برای استراحت و تفریح شدند. امروز ترافیک سنگینی در آزاد راه تهران شمال برقرار بود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ تیر ۱۴۰۵، ۳ ژوئیه ۲۰۲۶

جنازه چرخانی قاتل عظمای موج نفرت مردم

انزوای خود در جامعه بدست دهد. اما واقعیت جامعه چیز دیگری است. خامنه‌ای و جمهوری اسلامی پرونده سنگینی از جنایت دارند و با دریایی از خون در حافظه مردم شناخته می‌شوند؛ خون زنان، کودکان، جوانان و معترضانی که در اعتراضات ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸، ۱۴۰۱، ۱۴۰۴ و در کل این چند دهه قربانی شدند. مردم هرگز نام‌ها، چهره‌ها و زندگی‌هایی که توسط حکومت و به دستور مستقیم خامنه‌ای نابود شدند را فراموش نخواهند کرد.

نمایش جنازه چرخانی رهبر قاتلین و به میدان کشاندن اوباش کف بر دهان آورده، کمکی به بقای حکومت نخواهد کرد بلکه به نفرت و خشم و عصبانیت بیشتر مردم دامن خواهد زد. میلیون‌ها انسان این نمایش را نه با اشک، بلکه با خشم و نفرت بدرقه می‌کنند و پاسخ‌شان روشن است:

این حکومت باید سرنگون شود و تمام سران و دست اندرکارانش در دادگاه‌های علنی مردمی به محاکمه کشیده شوند. جنبش دادخواهی یک پای مهم جنبش سرنگونی حکومت قاتلان اسلامی است و هر روز گسترده تر و سراسری تر خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۹ تیرماه ۱۴۰۵، ۳۰ ژوئن ۲۰۲۶

جمهوری اسلامی قرار است از ۱۳ تا ۱۸ تیرماه جنازه خامنه‌ای را چهارماه پس از کشته شدن او در چند شهر ایران و عراق بچرخاند و با صرف هزینه‌های سنگین و بسیج نیروهای مزدور خود و با اعلام تعطیلی کارخانه‌ها و ادارات و به خیابان آوردن اجباری بخشی از مردم، در مقابل توده مردمی که عزیزانشان در همین دیماه به فرمان خامنه‌ای قتل عام شدند قدرت‌نمایی کند.

خامنه‌ای بدلیل نقش محوری خود در سرکوب و کشتار مردم و تحمیل فقر و فلاکت و بی‌حقوقی به مردم، منفورترین عنصر جمهوری اسلامی در چنددهه گذشته بوده است و کشته شدن او با موجی از شادی مردم همراه بود. مرگ بر خامنه‌ای همه‌گیرترین شعار مردم در سراسر کشور بوده است. او حتی در میان بخشی از خود حکومتیان و نیروهای سرکوب حکومت نیز منفور بود. و اکنون شایعه است که افرادی از خود حکومت در لو دادن مکان او نقش ایفا کرده‌اند. مردم عراق نیز خامنه‌ای و جمهوری اسلامی و جریانات مزدور وابسته به جمهوری اسلامی در عراق را یکی از عوامل مهم ناامنی، فقر و بی‌حقوقی خود می‌دانند.

از طرف دیگر جمهوری اسلامی که در یکی از بحرانی‌ترین دوران سیاسی خود قرار دارد، بیش از هر زمان نیاز دارد که با کشاندن بخشی از مردم به مراسم‌های اجباری «وداع با آقای شهیدان ایران» (علیه مردم رجز بخواند و تصویر دیگری از

جمهوری اسلامی سرنگون!

اطلاعیه پایانی پلنوم ۶۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران



۶۰ تا ۶۱ گزارش داد. او در سخنان خود به تحولات مهم سیاسی این دوره از جمله خیزش دیمه، عروج سلطنت طلبان، کشتار دیمه ۱۴۰۴ و قد علم کردن مجدد جامعه به دنبال این کشتار و جنگ ۳۹ روزه و کشته شدن خامنه‌ای، بعنوان نقطه عطف‌های سیاسی مهم و موضوعات مباحث جلسات دفتر سیاسی اشاره کرد. شهلا دانشفر در ادامه با استناد به آخرین نشست دفتر سیاسی و تأکیدات آن بر تغییر موضوعات و سوالات پیش رو در جنبش سرنگونی و تحولات سیاسی این دوره و برجسته شدن نقش احزاب، بر اهمیت پاسخگویی به ابهامات جنبش سرنگونی از سوی حزب و داشتن یک طرح و نقشه کلان سیاسی برای آلترناتیو آینده و ارائه آن بصورت سندی روشن تأکید کرد.

کیان آذر دبیر سازمان جوانان کمونیست با گرامی داشت یاد جانباختگان کشتار دی‌ماه، برآوردی سیاسی از ۹ ماه گذشته ارائه داد و تأکید کرد که مسئله اصلی این دوره، نه صرفاً مرور رویدادها، بلکه ارزیابی موفقیت یا شکست جمهوری اسلامی در عقب راندن انقلاب و جامعه از مسیر سرنگونی بوده است. در این چارچوب، او اشاره کرد که با وجود سرکوب گسترده، کشتار، قطع اینترنت و ایجاد فضای امنیتی، حکومت در ایجاد ترس، ناامیدی و انفعال و متوقف کردن روند انقلابی ناکام مانده و جامعه اشکال مختلف مبارزه را ادامه داده است. همچنین به روند عملکرد جریانات سیاسی بر سر آینده انقلاب و تلاش جریان‌های مختلف برای جهت‌دهی یا مهار آن اشاره شد و بر ضرورت تقویت چشم انداز سرنگونی طلبانه و رادیکال انقلاب زن، زندگی، آزادی تأکید کرد. در ادامه، عملکرد سازمان جوانان کمونیست در تقویت این قطب سیاسی، گسترش نفوذ در میان جوانان و توسعه فعالیت‌های رسانه‌ای را رو به جلو و دخال‌تگر از نظر سیاسی و سازماندهی بوده است و در پایان، بر تلاش منسجم و سازمان‌یافته برای تثبیت هژمونی سیاسی انقلاب و نقش نیروهای سازمان‌یافته در پیشبرد سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق اهداف آزادی‌خواهانه و برابری طلبانه و سازمان‌یابی بیشتر در این جهت تأکید کرد.

بدنبال این سخنرانی‌ها مسئولین کمیته‌های سازمانده، کردستان، آذربایجان، خارج کشور، سازمان جوانان، مدیر تلویزیون کانال جدید، مسئولین مالی و همینطور مسئولین سایر ارگانها و عرصه‌ها گزارش فشرده‌ای از حوزه فعالیت خود ارائه دادند و اعضای کمیته مرکزی و همینطور کادرها و اعضای شرکت کننده در پلنوم نقطه نظرات و پیشنهادات خود را برای بهبود و گسترش فعالیت حزب مطرح نمودند.

در این پلنوم سه قطعنامه تحت عناوین: «تحولات تازه در شرایط سیاسی ایران و در صفوف اپوزیسیون»، «نقش مخرب جریان سلطنت طلب در جنبش سرنگونی» و «ورشکستگی اقتصادی و جنبش دفاع از معیشت و زندگی» (و همینطور قراردایی تحت عناوین «تشهای جنگی و ضرورت بایکوت جمهوری اسلامی»، «گسترش مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی»، «جنبش ضد اعدام در ایران» و «قرار در حمایت از پرستو احمدی و حق آوازخوانی زنان در ایران»، «حمایت از مبارزات دانش‌آموزان» به تصویب رسید. پیام‌هایی نیز خطاب به مردم آزاده ایران تحت عنوان «پایان دادن به جمهوری اسلامی و برقراری آزادی، برابری و رفاه کار ماست»، «بیانیه‌ای با عنوان «آمران و عاملان دیمه خونین را به محاکمه میکشیم»، پیامی خطاب به فعالین و شبکه‌های زن زندگی آزادی، پیامی در حمایت از زنان و مردم افغانستان و نیز پیامی در حمایت از حرکت اعتراضی زندانیان سیاسی زندان مرکزی ساوه قرائت گردید.

پلنوم ۶۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۵ تا ۷ تیرماه ۱۴۰۵ (۲۶ تا ۲۸ ژوئن ۲۰۲۶) با حضور اعضا و مشاورین کمیته مرکزی برگزار شد. در این پلنوم که بصورت آنلاین-ویدیویی برگزار شد اعضا و کادرهای حزب و همچنین تعدادی از دوستان حزب نیز دعوت شده بودند. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی شروع شد و بعد از سه روز بحث و تبادل نظر و تصمیم‌گیری‌های لازم با موفقیت به کار خود پایان داد.

حمید تقوایی در سخنرانی افتتاحیه گفت دوره پرتحوالی را پشت سر گذاشته‌ایم که در اسناد ارائه شده به پلنوم مورد بررسی قرار گرفته است. تا آنجا که به جنگ و رابطه جمهوری اسلامی با دولت آمریکا مربوط میشود این تحولات فعلاً به امضای یک تفاهم نامه منجر شده اما این امر در چرخه -جنگ- مذاکره جنگ تغییری نخواهد داد و تا جمهوری اسلامی در قدرت است تنش و فضای جنگی نیز ادامه خواهد داشت. او گفت تمایل به تعامل با آمریکا در میان حکومتی‌ها تقویت شده است اما پارادوکس همیشگی میان تقابل و تعامل با غرب همچنان یک بحران هویتی لاینحل برای حکومت خواهد بود. او تأکید کرد رابطه جمهوری اسلامی و دولت آمریکا به هر نتیجه‌ای برسد مسأله اصلی حکومت یعنی نفرت و خشم و انزجار عمومی‌ای که بخصوص بعد از دی‌ماه جامعه را فراگرفته همچنان معضل پایه‌ای حکومت و مبنای اصلی بحران آن خواهد بود. او گفت بعد از آتش‌بس آنچه دوباره به محور تحولات سیاسی ایران تبدیل میشود جنگ مردم با حکومت است.

بدنبال تصویب آیین‌نامه و دستور جلسات، اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب گزارشی از فعالیت‌های حزب در داخل و خارج کشور ارائه داد. اصغر کریمی اشاره کرد که قبلاً ۲۲ گزارش از ارگان‌ها و کارزارهای مختلف حزب و همینطور گزارش کتبی هیئت اجرایی به اعضا و مشاورین کمیته مرکزی ارسال شده و اینجا نیز مسئولین هر عرصه فرصت دارند که گزارش عملکرد خود را ارائه دهند. او این دوره را بعنوان یکی از پرتحول‌ترین دوران چند دهه اخیر نام برد از خیزش دی‌ماه تا قتل عام مردم، عروج سلطنت‌طلبان، مراسم‌های بزرگ و کاملاً غیر مذهبی جانباختگان و اعتراضات رادیکال دانشجویی در روزهای آخر بهمن، اعتصاب عمومی بزرگ در کردستان و سه استان کردنشین غرب کشور، قطع اینترنت و تداوم و تثبیت بیشتر بی‌حجابی عمومی. حزب تبیین ویژه و متفاوتی از راست و چپ ضد امپریالیست در این تحولات داشت از جمله در مورد جنگ تأکید حزب این بود که سیاست‌های جمهوری اسلامی منجر به جنگ شده، و در جنگ و در آتش‌بس اولویت ما سرنگونی جمهوری اسلامی است. نقطه قوت مهم دیگر و یک وجه تمایز اساسی حزب فعالیت وسیع میدانی در خارج کشور بود بویژه فعالیت علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی، تلاش برای گسترش نهادهای پیشرو و شبکه‌های زن زندگی آزادی. رئیس هیئت اجرایی همچنین به تأثیر حضور حمید تقوایی در برخی کنفرانس‌های خارج کشور اشاره کرد. در داخل کشور علیرغم اینکه جنگ و قطع چندماهه اینترنت ضربات سنگینی به مبارزات مردم و تحرک فعالین و تشکلهای داخل وارد کرد اما کمیته‌های رو به داخل حزب و سازمان جوانان نقش موثری در گسترش شبکه‌های همیاری و همبستگی و در اعتراضات دانشجویی یا در انتشار بیانیه‌های مختلف داشتند. در مورد وضعیت مالی حزب اصغر کریمی گفت که علیرغم کمپین سالانه که موفق به جمع‌آوری ۱۵۴ هزار دلار شد و علیرغم کاهش حدود ۳۰ درصد از هزینه‌های ماهانه، با کسری قابل توجهی برای تأمین هزینه‌های حزب مواجهیم.

شهلا دانشفر رئیس دفتر سیاسی حزب از فعالیت این نهاد حزبی در فاصله پلنوم



باید از دیوان بین المللی دادگستری (دادگاه لاهه)، سازمان ملل متحد و مراجع قضایی و حقوق بشری جهانی خواست تا از تمام ظرفیت های حقوقی و سیاسی خود برای پیگیری این جنایت ها و محاکمه مسئولان جمهوری اسلامی استفاده کنند. سکوت و بی عملی در برابر این جنایت ها، به معنای چراغ سبز دادن به تکرار آنهاست. دی ماه خونین آغاز دوره ای تازه در مبارزه مردم ایران را رقم زد. جمهوری اسلامی تلاش کرد تا با گلوله صدای مردم را خاموش کند، اما با این قتل عام تنها بر خشم و نفرت توده مردم افزود. پاسخ ما و مردم ایران به قتل عام دیماه، بزرگداشت حکومت اسلامی و به محاکمه کشیدن همه سران و مقامات جنایتکار آن خواهد بود. نه فراموش می کنیم، نه می بخشیم.

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۶ تیر ۱۴۰۵، ۲۷ ژوئن ۲۰۲۶

عرصه مبارزات میدانی در خارج و داخل کشور و تلاش برای همگامی با همه نیروهای سیاسی فعال در عرصه های مختلف، موظف است بیش از پیش برای خنثی کردن موانعی که نیروهای راست بر سر راه انقلاب قرار می دهند، اشاعه مواضع و سیاست های کلان حزب، و تعمیق و رادیکالیزه کردن جنبش سرنگونی تلاش کند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ تیرماه ۱۴۰۵، ۳ ژوئیه ۲۰۲۶

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

تلگرام: @wpi_tamas
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲
tamas.wpi@gmail.com

آمران و عاملان دیماه خونین را به محاکمه میکشیم!

دی ماه خونین یکی از تاریک ترین صفحات تاریخ معاصر ایران است؛ روزهایی که مردم برای آزادی، کرامت انسانی و حق داشتن یک زندگی شایسته به خیابان آمدند و با قساوت و جنایت و خشونت بی رحمانه رو به رو شدند.

در این سرکوب وحشیانه، طی دو روز چند ده هزار نفر هدف شلیک مستقیم نیروهای حکومتی قرار گرفتند و جان باختند، هزاران نفر زخمی شدند، دهها هزار نفر بازداشت و روانه زندانها شدند. در ادامه این قتل عام بازداشت شدگان زیر شکنجه قرار گرفتند، مجروحین از بیمارستانها ربوده شدند و دهها نفر از معترضین به جوخه اعدام سپرده شدند.

دی ماه خونین نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مردم ایران است. با این کشتار شکافی عمیقتر و خونینتر از هر زمان میان مردم و حاکمان شکل گرفته است؛ شکافی که با هیچ وعده، فریب و سرکوبی پر نخواهد شد. جمهوری اسلامی در دی ماه به مردم اعلان جنگ کرد و مردم نیز بیش از هر زمان دیگری به این نتیجه رسیده اند که نه فقط آزادی، عدالت و کرامت انسانی با بقای این حکومت سازگار نیست، بلکه ابتدایی ترین زندگی امن و انسانی نیز با وجود این حکومت غیر ممکن است.

ما در کنار مادران، پدران و خانواده های داغدار کشتار دی ماه ۱۴۰۴ ایران ایستاده ایم؛ خانواده هایی که با وجود انواع فشارها و تهدیدات از سوی رژیم، بارها و بارها با برگزاری مراسم های یادبود، نام و یاد جان باختگان خود را زنده نگه داشته اند و اجازه نداده اند چراغ خاطره آنان خاموش شود.

دادخواهی این خانواده ها فریاد عدالت خواهی همه مردم ایران است. ما خود را هم صدا و هم دل با آنان می دانیم و صدای رنج، ایستادگی و حقیقت طلبی شان هستیم؛ صدایی که خاموش نخواهد شد و تا تحقق عدالت ادامه و گسترش خواهد یافت. جنبش دادخواهی امروز به نیرویی ریشه دار و در سراسر کشور تبدیل شده است. این جنبش باید تقویت شود، هر چه بیشتر سازمان داده شود و محاکمه همه آمران و عاملان این جنایت یعنی تمام دست اندرکاران و سران حکومت جنایتکار اسلامی را به مطالبه ای فراگیر تبدیل کند.

اطلاعیه پایانی پلنوم ۶۱...

از صفحه ۷

در مبحث انتخابات ابتدا حمید تقوایی بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد و بدنبال آن ۲۵ نفر بعنوان اعضای دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند که عبارتند از: کیان آذر، محسن ابراهیمی، عبدالله اسدی، سیامک بهاری، سیما بهاری، شهاب بهرامی، فاتح بهرامی، پریسا پوینده، امیر توکلی، سهیلا دالوند، شهلا دانشفر، میلاد رسایی منش، هرمز رها، محمد شکوهی، مصطفی صابر، حسن صالحی، جمیل فرزانه، اصغر کریمی، ناصر کشکولی، عبدل گلپریان، نسان نودینیان، سمیر نوری، کاظم نیکخواه، عطیه نیک نفس و بابک یزدی. شهلا دانشفر نیز بعنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب شد.

پلنوم با سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی پایان یافت. او در این سخنرانی تأکید کرد که در این دوره نقش احزاب برجسته شده است و مطرح و بجلو رانده شدن موضوعاتی نظیر دوره گذار، معنی و شیوه سرنگونی، فدرالیسم و تکتگرایی، خصوصیات نظام آتی و مسائل کلانی از این دست، همچنین قطب بندی طبقاتی صفوف اپوزیسیون که در عملکرد سلطنت طلبان و دیگر احزاب و نیروهای مخالف رژیم خود را نشان می دهد، بیانگر اهمیت و نقش تعیین کننده حزب و حزبیت در شکل دادن به تحولات است. او تأکید کرد که حزب ما در کنار و متکی بر فعالیت همیشگی اش در

جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در شرایط کنونی - یاشار سهندی

را در حزب کمونیست کارگری با آن میشناختند) نباشد و کمونیسم کارگری را مال خودشان دانسته و متدولوژی آنرا درک کنند و موتور آن باشند. از آن دفاع کنند، توضیح اش بدهند، تبیین اش کنند، تا بتوانند آنرا گسترش بدهند. همانگونه که او مارکسیسم را از یک سری حکم های جزئی رهایی بخشید و ثابت کرد مارکسیسم به عنوان یک نظریه علمی می تواند و باید گسترش یابد به مانند هر علم دیگری. و این علم، این نقد بخصوص، نقد کارکرد نظام تولید معاصر است و به تبع آن شناخت تکامل تاریخ بشری است.

"مقدمه" فوق با این نقل قول شروع میشود: "مساله اساسی هر انقلاب مساله قدرت حاکمه در کشور است..." و اکنون این مساله برای کمونیستی که تنها دلخوش به این نیست که "موضع گیری صحیح" داشته باشد، برای کمونیستهایی که "باید از سطح مبارزه توده ها و ارتقای آن" شروع کنند نه از "سطح توده ها" موضع گیری سیاسی را برای پیشبرد امر سیاسی اتخاذ کنند.

در زیرنویسی در همان مقدمه، منصور حکمت تاکید میکند: "... سطح مبارزه را صرفاً در ارزیابی بر خورد توده های کارگر و زحمتکش به مسائل مبرم مبارزه طبقاتی میتوان تعیین کرد. کمونیستها باید از جایی آغاز کنند و در جایی حتما حضور داشته باشند که کارگران و زحمتکشان بر منافع طبقاتی خود پای میفشارند و برای تحقق آن به مبارزه برخاسته اند" و در متن همان مقاله تاکید میکند: "مسائل بنیادی (اشاره منصور حکمت به "تناقضات اقتصادی و اجتماعی نظام تولیدی و انگیزه های زیربنایی حرکت طبقات انقلابی (و نیز طبقات ضد انقلابی) در طول تحول انقلابی جامعه" است که) همواره مستقیماً و بلاواسطه و به شکل "تاب" خود در عرصه مبارزه طبقاتی متبلور نمیگردند."

در شرایط کنونی، در سال ۱۴۰۵ بعد از دو جنگ ویرانگر میان جمهوری اسلامی و امریکا و اسرائیل، بعد از هجوم همه جانبه ضد انقلابی جریان سلطنت طلب به انقلاب زن زندگی آزادی در همراهی با سرکوب خونین جمهوری اسلامی، ما باید جبهه های اصلی نبرد طبقاتی را روشن سازیم تا بتوانیم جنبش قدرتمند سرنگونی جمهوری اسلامی را به سرانجام قطعی خود، که همانا سقوط جمهوری اسلامی توسط توده های مردم، یعنی انقلاب، برسانیم.

اصلی ترین جبهه نبرد طبقاتی در کف خیابان، "سنگر زحمتکشان"، رقم میخورد. آنجا که کارگران و زحمتکشان به حقوق های نجومی و فلاکت عمومی اشاره میکنند. آنجا که دشمن خود را در همین جا، در ایران شناسایی کردند و نه در امریکا. آنجا که شعار ضد مذهبی میدهند. آنجا که با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، بر آزادیهای بی قید و شرط سیاسی تاکید میکنند. آنجا که جنگ افروزی حکومت اسلامی را محکوم میکنند. و مسبب همه مصیبتی که بر زندگی توده مردم حاکم شده است، جمهوری اسلامی میدانند. همانجایی که سوسیالیسم را نه به شکل "تاب" خود، "زنده باد سوسیالیسم" بلکه در شعاری ساده و عمیق، "معیشت و منزلت حق مسلم ماست" بازگو میکنند.

بدون هدف تصرف قدرت سیاسی این جنبش ها در شکل اعتراضی خود فرسوده خواهند شد. و اگر هنوز ادامه دارد بدین خاطر است که جمهوری اسلامی نه تمایل دارد، نه توانش را دارد که به خواسته های این جنبش ها تن دهد. برای همین مرتب به سرکوب خشن و بی رحمانه متوسل میشود و این سبب شده که سرنگونی حکومت اسلامی مشخصاً از سال 78 در دستور کار جامعه باشد. و اکنون اما بر بستر انقلاب زن زندگی آزادی این شعارها مطرح میشود و اگر "مساله اساسی هر انقلاب مساله

۱۳ تیر سالروز درگذشت زنده یاد منصور حکمت است. منصور حکمت کسی بود که چهره کمونیسم را در ایران تغییر داد. او توانست به یاری کمونیستهایی که در ایران که بقول خود منصور حکمت میخواستند "منشا اثر" باشند، کمونیسم کارگری، کمونیسم مانیفست، کمونیست مارکس را به عرصه سیاست برگردانند. برای این امر در ابتدا لازم بود که آوار سنگینی که بعد از شکست شوروی در دهه ۲۰ قرن بیستم، زمانی که به قول منصور حکمت "کمونیسم اساساً از ریل خارج شد"، و بر سر مارکسیسم خراب شده بود، کناری زنند. دیکتاتوری خشن حاکم بر شوروی و اقمارش خود را به مارکسیسم چسبانند که دیکتاتوری را توجیه کرده باشند و دشمنان این قطب چنین تبلیغ میکردند (و هنوز میکنند) که اساساً "نتیجه اندیشه های مارکس" میشود شوروی با همه سرکوبگریهایش!

بیش از هر چیز ضروری بود که این آوار از "جنبش کمونیستی" ایران زدوده شود چون لازم بود "از موضع پرولتری" ضد انقلاب اسلامی افشا میشد. چرا که "انقلاب ۵۷ استثناء نبود، بلکه نخستین جلوه قاعده ای بود که از این پس، تا در هم کوبیده شدن قطعی حکومت سرمایه و نظام سرمایه داری در ایران، تاریخ ایران را شکل خواهد داد." (منصور حکمت - آزادی برابری حکومت کارگری - آبان ۱۳۶۳) و تا تأکیدی باشد بر اینکه "... که پیاده کردن برنامه پرولتاریا جز از طریق استقرار حاکمیت سیاسی کارگران و زحمتکشان ممکن نیست و ناگزیر کارگران و زحمتکشان میباید بار دیگر برای تصرف قدرت سیاسی بپاخیزند." (نقل قول از "مقدمه جزوه دورنمای فلاکت و..." ضرورت اینکار تماماً به این برمی گشت مارکسیسم که "... برای پیشاهنگ کمونیست، که اراده انقلابی خویش را بر شناخت قوانین مادی حرکت جامعه و ضروریات آن استوار میسازد" (همان منبع) نه یک مکتب فکری بلکه "سلاح نقد" است، که باید به وسط معادلات سیاسی بازگردانده میشد. و این سلاح می بایست ابزاری باشد برای مبارزه سیاسی در جهت تصرف قدرت سیاسی.

عنوان این یادداشت برگرفته از مقاله ای از منصور حکمت است که "مقدمه" ای بوده بر "جزوه دورنمای فلاکت و اعتلای نوین انقلاب - تزهایی درباره اهمیت سیاسی بحران اقتصادی" که در بهمن ۱۳۵۸ انتشار عمومی می یابد. منصور حکمت طی بیست و دو سال بی وقفه نوشت، سواي سخنرانی ها و مصاحبه ها. "مقدمه" مورد اشاره، یکی از انبوه مقاله های است که "جنبش کمونیستی" ایران را زیر و رو کرد، تا کمونیستها بتوانند در تشکل خود، حزب کمونیستی سازمان یابند و ستادی باشند که انقلاب را رهبری کند و تا بتوانند قدرت سیاسی را تصرف کنند تا بشود جامعه ای دیگر و زندگی دیگری را سازمان داد که دیگر نصیب ۹۹ درصد جامعه بدبختی و مصیبت نباشد.

در متن حرکت واقعی سیاسی، منصور حکمت توانست بسیاری مسایل را در فضای عمومی سیاسی ایران مطرح و تثبیت کند. از دم دست ترین و آشناترین آنها کارزار "نه به اعدام" است. کارزاری که نه یک تاکتیک سیاسی بلکه انگشت روی یکی از حساسترین مسایل سیاسی جامعه ایران می گذارد. این کارزار تنها علیه یک حکومت معین یعنی جمهوری اسلامی نیست، بلکه این کارزار خلع سلاح کردن بورژوازی ایران از یکی از ابزارهای مخوف آن برای سرکوب است. یا میتوان به طرح مسئله آزادی بی قید و شرط سیاسی اشاره داشت. و نیز میتوان به اشاره منصور حکمت به خصلت انقلاب آینده که آنرا زنانه خواند، توجه همگان را جلب کرد که اکنون ما در بطن آن انقلاب با شعار زن زندگی آزادی قرار گرفتیم.

همچنین لازم است تأکید شود که یکی از مهمترین خواسته های او این بود که از بالا تا پایین حزب کمونیست کارگری، چشم شان به "نادر" (نامی که منصور حکمت



قطعه نامه درباره نقش مخرب جریان سلطنت طلب در جنبش سرنگونی مصوب پلنوم ۶۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

اینترنتشال صورت گرفت، توانست در میان بخشی از مردم این توهم را ایجاد کند که می‌توانند نیروی گذار از جمهوری اسلامی باشد. بخشهایی از مردم معترض که عمدتاً در خارج کشور به حمایت از رضا پهلوی به خیابانها آمدند، اساساً نه بخاطر بازگشت به سلطنت و یا آلترناتیو اثباتی او برای نظام آینده و با دفتر چه اضطراب که حکومت نظامی در دوره گذار را وعده میداد، بلکه بخاطر توهم به توانائی سلطنت طلبان در ساقط کردن رژیم بود.

۴- امروز رضا پهلوی و جریان سلطنت طلب، در عمل به بازیچه پروژه امنیتی رژیم علیه مردم پاخاسته و علیه تلاش و تحرک انقلاب مردم برای پایان دادن به عمر نظام اسلامی تبدیل شده اند و به دلیل همین سیاست ها و عملکردشان نه تنها در جامعه به سرعت منزوی می‌شوند بلکه حتی در صفوف خودشان هم انشقاق ها و ریزش ها شروع شده است.

حزب کمونیست کارگری، جریان ارتجاعی سلطنت طلب به رهبری رضا پهلوی را مانعی در مقابل جنبش انقلابی مردم، یک نیروی مخرب و سدی در مقابل سرنگونی جمهوری اسلامی می‌داند و از همین رو افشا، خشی و منزوی کردن این جریان و آگاهگری در میان فعالین و مردم متوهم به آن را برای تحقق آرمانهای انسانی انقلاب زن زندگی آزادی ضروری میدانند. در مقابل این جریان عقب مانده و ضد آزادی، باید فضای ازادیخواهی، برابری طلبی، مدرن و سکولار و پیشرو را در خیابانها و اعتراضات، و در مدیای اجتماعی بیش از پیش تقویت کرد.

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۷ تیر ماه ۱۴۰۵ - ۲۸ ژوئن ۲۰۲۶

۱- اپوزیسیون سلطنت طلب که در کل تاریخ ۴۷ ساله گذشته بجز مخالفت با انقلاب بعنوان هرج و مرج، همدلی با سران سپاه و بخشهایی از حکومت، و احتراز از سرنگونی طلبی حتی در لفظ، فعالیت سیاسی موثری نداشت، با شروع انقلاب زن زندگی آزادی، و بویژه در خیزش ۱۴۰۴ یکباره در شکل برانداز دو آتشه ظاهر شد. اما این اساساً قالب و چارچوبی برای مقابله با ازادیخواهی و با دیگر نیروهای اپوزیسیون بود. این جریان با اقداماتی نظیر مخالفت صریح با ارزشها و شعارهای مترقی و پیشرو انقلاب زن زندگی آزادی، تهدید احزاب اپوزیسیون کرد به حمله نظامی، هتاکای های لمپنیستی و سکسیستی و حتی تعرض فیزیکی علیه چهره های شناخته شده ای نظیر توماج صالحی، نرگس محمدی، ترانه علیدوستی، سپیده قلیان و بسیاری دیگر از فعالین سیاسی ضد حکومت در داخل و خارج کشور، سفیدشویی از ساواک و شکنجه گران دوران سلطنت و نظایر آن، فضای فعالیت اپوزیسیون جمهوری اسلامی را مسموم و لجن مال کرد.

۲- عملکرد میدانی جریان سلطنت طلب به نوعی بوده است که تشخیص بین مزدوران حکومتی و طرفداران دو آتشه رضا پهلوی در خیابانهای خارج و داخل کشور و در مدیای اجتماعی دیگر قابل تشخیص نیست. این دو نیرو عملاً در کنار یکدیگر قرار گرفته اند و یکدیگر را در مقابل مردم و علیه احزاب و چهره های ازادیخواه تقویت میکنند.

۳- رضا پهلوی با القای این تصویر که گویا آمریکا پشت سر اوست و قادر است جمهوری اسلامی را براندازد، تصویر سازی ای که اساساً به کمک تلویزیون ایران

جبهه های اصلی نبرد طبقاتی ...

از صفحه ۹

شکل خواهد گرفت. این تشکیلاتها میتوانند در روند مبارزاتی با هم متحد شوند و بر آلترناتیو جنبش کارگری اصرار بورزند. تاکید بر اداره شورایی یعنی آمادگی برای تصرف قدرت سیاسی؛ یعنی این بار چند و چون و شکل و شمایل حکومت آینده را توده های مردم کارکن جامعه تعیین خواهند کرد.

با اتکاء بر جنبش چپ اجتماعی کمونیستها باید خود را بیشتر و بیشتر در معرض انتخاب جامعه قرار دهند، و این جنبش را متحزب سازند نه به این معنی که کلیه فعالین این جنبش ها باید کارت حزب کمونیست کارگری در جیب شان باشد بلکه به این معنی که این فعالین باید سخنگو و بیانگر اهداف و خواستهای این حزب گردند، و بهمین نسبت این حزب با اتکاء به این "بدنه اجتماعی" است که میتواند مدعی نمایندگی کل جامعه در مقابل حکومت باشد.

جامعه ایران در طی نزدیک به نیم قرن، تجربه های سخت و پر هزینه ای را از سر گذرانده است، و ما کمونیستها موظفیم بعنوان مدعیان نمایندگی گرایش سوسیالیستی طبقه کارگر، خود را برای تصرف قدرت سیاسی آماده سازیم. "در دوره گذار" بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی، ما باید یک پای مهم قدرت سیاسی در جامعه باشیم. در این دوره معین با تکیه بر دستاوردهای نظری و عملی منصور حکمت و با اتکاء به حزبی که او ساخت، حزب کمونیست کارگری، باید به عنوان نماینده طبقه کارگر قدرت سیاسی را بدست گیرد.

قدرت حاکمه در کشور است"، باید جنبشهای اعتراضی خیابانی که این شعارها را مطرح کنند توان آنرا بیابند که توده های وسیع تری گرد خود جمع کنند.

بر همین بطن است که بخشی از اپوزیسیون راست، فاشیستی ترین جناح آن مدعی است که فقط یک نفر است که میتواند قدرت سیاسی را بدست گیرد و آنهم پسر شاه سابق است! آنها تلاش کردند که با "شاه پرستی" و "ایران پرستی" جنبشهای اعتراضی کف خیابان را بقا پند و برای اینکار باید آنرا را از درون تهی سازند. که با انتخاب قالیباف به عنوان طرف معامله از سوی ترامپ و بعد از قطع بمبارانها (نه لزوماً جنگ)، عملاً آب پاکی روی دست فاشیستهای سلطنت طلب ریخت. جنبش های اعتراضی باردیگر دارند سر برمی آورند، چون همانگونه که اشاره شد جمهوری اسلامی هیچ قصدی برای بهبود اوضاع زندگی توده مردم ندارد، و "عمو ترامپ" با همه تناقض گویهایش بر یک نکته همیشه تاکید کرده که نظم حاکم در ایران نباید دچار آشفتنگی شود و از هم فروپاشد.

در دوره معین پیش رو، باید جنبش های اعتراضی را با همدیگر متحد ساخت. باید روی اعتصاب سراسری که قبل از جنگ در شرف شکل گرفتن بود تاکید کرد. و مهمتر اینکه این اعتراضات و اعتصابات باید بلندتر و محکم تر معیشت و منزلت را فریاد بزنند و بر آلترناتیو معین و مشخص گرایش سوسیالیستی جنبش کارگری یعنی اداره شورایی تاکید کنند. و بر متن این اتفاقات است که تشکیلات متناسب با آنها



ادامه کارزار سه شنبه های نه به اعدام، تجمع کادر درمان مرکز بهداشت تبریز، کارگران کارخانه ایران برک و اخباری دیگر

کرمانشاه و تهران علیه وخامت بیشتر معیشتی و بساط چپاول و غارت شرکت مخابرات و جهت پیگیری خواسته‌هایشان در روز گذشته گزارش کردیم. بنا بر گزارشات تکمیلی در این روز بازنشستگان مخابرات در رشت نیز تجمع کردند. در روز قبل از آن نیز این بازنشستگان در همراهی با معلمان بازنشسته و بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل سازمان تامین اجتماعی تجمع داشتند.

سومین روز تجمع رانندگان استیجاری در تهران

روز هشتم تیرماه جمعی از رانندگان استیجاری در اعتراض به عدم اجرای قانون تبدیل وضعیت، برای سومین روز متوالی در مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری دست به تجمع زدند. به گفته معترضین با وجود پیگیری‌های مداوم از سال ۱۴۰۰، بخشنامه‌های سازمان اداری و استخدامی و آرای صادرشده عملاً وضعیت شغلی آن‌ها را معلق نگه داشته شده است. اجرای فوری قانون تبدیل وضعیت استخدامی رانندگان خودروهای استیجاری بر اساس مصوبات قانونی سال‌های گذشته، اصلاح بخشنامه‌های سازمان اداری و استخدامی که مانع از احراز رابطه شغلی رانندگان استیجاری می‌شود، رفع بلا تکلیفی معیشتی، برقراری بیمه مناسب، حق مرخصی، و پرداخت سنوات و عیدی همانند سایر شاغلین رسمی، از جمله خواسته‌های فوری این معترضین است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ تیر ۱۴۰۵، ۳۰ ژوئن ۲۰۲۶

امروز نهم تیرماه کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" در ۵۷ زندان مختلف هفته صدویست و هفتم خود را پشت سر گذاشت. بیانیه هفتگی این کارزار در اشاره به تداوم بیرحمانه ماشین اعدام و سرکوب حکومت می‌گوید: "دستگاه قضائیه حکومتی اعلام کرده است که از آغاز جنگ اخیر تاکنون، ۳ هزار و ۲۹۲ نفر را به اتهام «همکاری با دشمن» بازداشت کرده است. این آمار در شرایطی منتشر می‌شود که پس از سرکوب اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴ توسط نیروهای نظامی و امنیتی، روند برخورد با معترضان وارد مرحله تازه‌ای شده و بخش زیادی از دستگیرشدگان در معرض صدور احکام اعدام یا زندان‌های طولانی مدت هستند." اعضای این کارزار با تاکید بر مقابله با سرکوبگرهای حکومت و بربریت و توحش قرون وسطایی آن بر تداوم کار و لغو مجازات اعدام و برقراری بر آزادی و برابری تاکید می‌کنند.

تجمع اعتراضی کارکنان مرکز بهداشت تبریز

روز گذشته هشتم تیرماه کارکنان مرکز بهداشت تبریز در اعتراض به تبعیض حقوقی و سطح نازل حقوقها در مقابل دانشگاه علوم پزشکی تبریز تجمع کردند.

تجمع کارگران کارخانه ایران برک رشت

روز هشتم تیرماه کارگران کارخانه "ایران برک" در اعتراض به تعویق پرداخت چند ماه دستمزد و مشکلات بیمه ای خود و سطح نازل حقوقها دست به تجمع زدند. به گفته کارگران کل دریافتی آن‌ها به اندازه نیاز پنج روز آنان نیز نیست و آنهم با تاخیر چند ماهه پرداخت میشود.

خبر تکمیل از تجمعات بازنشستگان مخابرات

قبلا از تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات در شهرهای سمنان، اصفهان،

کارگران ایران برک به عترض ادامه می‌دهند: نه حقوق گرفتیم، نه بیمه بیکاری داریم



اعتراض کارگران شرکت «ایران برک» همچنان ادامه دارد. حقوق کارگران ماه‌هاست توسط کارفرمایان بالا کشیده شده و از بیمه بیکاری نیز محروم شده‌اند. همزمان مبالغ کلانی خرج جنازه‌چرخی فردی می‌شود که نقش مهمی در تداوم این ماشین سرکوب و فقر و محرومیت مردم داشت.

شریف و مبارز ایران را به گسترش مبارزه برای آزادی فوری و بی‌قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و حمایت از خانواده‌های آنها فرامی‌خواند. ما همچنین بر پایبندی خود به پیمان آوریل علیه اعدام و در دفاع از آزادی زندانیان سیاسی تاکید می‌کنیم و می‌کوشیم مفاد این پیمان را به محور مبارزات اجتماعی، آزادی‌خواهانه و برابری طلبانه در ایران تبدیل کنیم.

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

قرار در باره گسترش مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی مصوب پلنوم ۶۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

در شرایطی که جمهوری اسلامی، سرکوب، بازداشت، شکنجه، پرونده‌سازی، بی‌حرمتی به زندانیان، آزار و خشونت جنسی، اخذ اعترافات اجباری و صدور احکام سنگین علیه مخالفان را تشدید کرده و همزمان موج تازه‌ای از اعدام‌ها را با هدف ایجاد رعب و وحشت در جامعه به راه انداخته است، دفاع از زندانیان سیاسی و تلاش برای آزادی آنان اهمیتی دوچندان یافته است.

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، لغو اعدام و پایان دادن به سرکوب، از مطالبات فوری جامعه و بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار جامعه آزاد، برابر و انسانی است. یک جنبه مهم از این مبارزه، تلاش برای جلب حمایت تشکلهای کارگری، نهادهای مدافع حقوق بشر، سازمان‌های مترقی و افکار عمومی در سطح بین‌المللی است.

آزادی زندانیان سیاسی بعنوان نخستین گام در مسیر پایان دادن به سرکوب، تضمین آزادی‌های سیاسی و باز شدن فضای جامعه پیش‌شرط هر گشایش واقعی سیاسی در ایران است.

حزب کمونیست کارگری ایران مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را امر مبرم خود می‌داند و همه آزادی‌خواهان، برابری‌طلبان، نهادهای مدافع حقوق انسان و مردم



اعتراضات مردم مهاباد علیه یک جنایت، اعتصاب غذای زندانیان در زندان وکیل آباد مشهد و خبری دیگر

روز دهم و یازدهم تیر ماه مردم مهاباد در اعتراض به قتل سیاوش الک توسط یک مزدور رژیم دست به راهپیمایی و تجمع زدند و مغازه‌داران دست به اعتصاب زدند. طبق گزارشات منتشر شده با حمله گروهی از نیروهای شبه‌نظامی محلی و بسیج از جمله فردی به نام «نیما تیموری» در مهاباد در روز دهم تیرماه سیاوش الک با ضربات چاقو مجروح شد و بعدا جان باخت.

مردم مهاباد بلافاصله با شنیدن این خبر با خشم دست به راهپیمایی زدند و در اطراف بیمارستان تجمع کردند. نیروهای جمهوری اسلامی برای جلوگیری از گسترش اعتراض، بیمارستان و فضای اطراف آنرا تحت کنترل و محاصره قرار دادند. روز بعد از آن نیز مغازه‌داران شهر دست به اعتصاب زدند. در این روز کسبه و بازاریان مهاباد در اعتراض به قتل سیاوش الک دست به اعتصاب زدند.

اعتراضات مردم مهاباد پاسخ محکمی به بساط سرکوب و جنایت حکومت است

اعتصاب غذای حدود ۳۵۰ زندانی در زندان وکیل آباد مشهد

حدود ۳۵۰ نفر از زندانیان سالن یک بند قرنطینه در زندان اوین در اعتراض به ضرب و شتم یک زندانی سیاسی توسط مسئولین زندان دست به اعتصاب غذا زدند. طبق گزارشات در این زندان مأموران امنیتی و وکیل‌بندهای این زندان، یکی از زندانیان سیاسی را به اتهام "بی‌احترامی به مأموران" به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند و به گفته شاهدان عینی شدت خشونت به حدی بوده که این زندانی دچار بی‌اختیاری در کنترل ادرار و مدفوع شده است.

بر اساس همین گزارشات جمعی از زندانیان سیاسی در تماس‌های تلفنی کوتاه و محدود با خانواده‌های خود تماس گرفته و خواستار توجه و نظارت نهادهای بین‌المللی بر وضعیت بحرانی بند قرنطینه زندان وکیل آباد مشهد شده‌اند.

حزب کمونیست کارگری ضرب و شتم زندانی در بند قرنطینه وکیل آباد و سرکوبگریهای جنایتکاران حکومت در درون زندانها را محکوم کرده و از اعتراض ۳۵۰ زندانی در این بند علیه این عمل جنایتکارانه در زندان قاطعانه حمایت میکند.

طبق گزارشات بند قرنطینه زندان وکیل آباد مشهد یکی از بخش‌های این زندان است که زندانیان در آن در وخیم‌ترین شرایط بسر می‌برند. رفتارهای خشونت بار و جنایتکارانه مأمورین زندان با زندانیان، تهویه نامناسب، آلودگی صوتی شبانه‌روزی، بوی نامطبوع سرویس‌های بهداشتی، روشن بودن دائمی چراغ‌های پرنور، و همچنین حضور مأموران و وکیل‌بندهایی که بنا بر این گزارش‌ها برخی از آنان از میان

محکومان جرائم خشن انتخاب شده‌اند، گویای گوشه‌ای از وضعیت این زندان است. وضعیت این زندان از مصادیق بارز شکنجه و آزار در زندانهاست.

اعتراض دانشجویان کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه سمنان

بنا بر گزارشات منتشر شده، روز هشتم تیر ماه جمعی از دانشجویان کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان، در اعتراض به رأی وزارت علوم مبنی بر تیره جمال محمدی یکی از اساتیدی که به آزار دانشجویان دختر متهم شده بود، دست به تجمع اعتراضی زدند. در این حرکت اعتراضی دانشجویان با بلند کردن پلاکارد شعارهای اعتراضی سر میدادند و از در دانشکده علوم اجتماعی تا ساختمان مرکزی دانشگاه دست به راهپیمایی زدند.

پیشینه این اعتراض، به سال گذشته برمی‌گردد زمانی که یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد، به یکی استادان گروه مراجعه کرد و گفت که جمال محمدی در دفتر خود به او تعرض جنسی کرده است. در نتیجه زنانی دیگر هم جلو آمدند و در نهایت ۱۷ نفر علیه استاد مربوطه به دانشگاه گزارش دادند و در پرونده‌ای ۳۰۰ صفحه‌ای، روایات خود را از تعرض و آزار جنسی این استاد مستند کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ تیر ۱۴۰۵، ۳ ژوئیه ۲۰۲۶

بازداشت شماری از جوانان جویای کار هویزه به جرم تقاضای کار!



روز ۸ تیر ۱۴۰۵ تعدادی از جوانان در شهرستان هویزه در خوزستان، پس از تجمع در مقابل فرمانداری این شهر در اعتراض به بیکاری بازداشت شده‌اند. جوانان می‌گویند آیا مطالبه کار جرم است؟

تمامی افراد بدون در آمد و کم در آمد باید از حقوق پایه برخوردار باشند. در همین راستا کارگران بیکار از حق بیمه برخوردار باشند. در شرایطی که نرخ سبد معیشت بالاتر از هفتاد میلیون است مستمری‌های دریافتی و حقوق پایه نباید کمتر از نرخ سبد معیشت خانواده چهار نفره باشد. غنی‌سازی زندگی حق مسلم ماست. یک شعار اعتراضی جامعه در قبال بساط فقر، بی‌تامینی، چپاول و دزدی و هزینه‌های جنگ افروزان حکومت است.

خبرهایی از اعتراضات کارگری و اجتماعی در هفته ای که گذشت



-روز هشتم تیرماه کارگران کارخانه "ایران برک" در اعتراض به تعویق پرداخت چند ماه دستمزد و مشکلات بیمه ای خود و سطح نازل حقوقها دست به تجمع زدند.

-روز هشتم تیر ماه جمعی از مدیران شرکت های واردکننده خودروهای خارجی منطقه آزاد مازندران در اعتراض به عدم ترخیص خودروها، در مقابل ساختمان مرکزی این شرکت در ساری؛ بلا تکلیفی و تاخیر در ترخیص خودروهای وارداتی تجمع کردند.

-روز هشتم تیرماه جمعی از رانندگان استیجاری در اعتراض به عدم اجرای قانون تبدیل وضعیت و مشکلات کاری و معیشتی خود، برای سومین روز متوالی در مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری دست به تجمع زدند.

- کارگران "ریسندگی خاور" رشت در اعتراض به عدم پرداخت بموقع دستمزدها و با خواست تضمین امنیت شغلی از روز سه شنبه دوم تیرماه دست به تجمع اعتراضی زده اند. در حال حاضر ۱۰۰ کارگر این کارخانه علاوه بر سه ماه حقوق و حق بیمه معوقه، حدود پانزده سال حق سنوات طلبکارند. کارگران همچنین نگران بسته شدن کارخانه و بیکار شدن از کارشان هستند. این کارگران بالای ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند.

-تعدادی از کارکنان رسمی، قراردادی و دائم روزمزد شرکت تراورس در طوماری اعتراضی ضمن اشاره به مشکلات معیشتی و کاری خود بر خواسته هایشان تاکید کردند که رئوس آن از جمله عبارتند از: افزایش حقوق، مقابله با فساد و رانت، پرداخت به موقع و منظم حقوق و مزایای کارکنان و جلوگیری از تأخیر در پرداخت ها، عدالت شغلی، مقابله با اعمال سلیقه، تبعیض، رانت و ایجاد فرصت برابر در انتصابات و خواسته های دیگری در این راستا.

-در خوزستان با دمای ۵۰ درجه، مردم با قطعی های برقی هر روزه از ۲ تا ۴ ساعته روبرویند و برق مناطق مسکونی و کشاورزی و دامداری ها را قطع می شود. این موضوع زندگی مردم را با مشقت روبر کرده و کار و معیشت مردم را به خطر انداخته اند. در رابطه با این موضوع شماری از کشاورزان در دزفول تجمع اعتراضی بر پا کردند.

- در اعتراض به صدور احکام سنگین و ناعادلانه توسط بیدادگاههای حکومت اسلامی، حدود ۳۰ تن از معترضینی که در جریان اعتراضات دی ماه سال گذشته (۱۴۰۴) دستگیر شده بودند و اکنون در زندان مرکزی ساوه در استان مرکزی محبوس هستند، در اعتراض به صدور احکام سنگین و جنایتکارانه علیه معترضین بازداشتی و سناریوسازی های امنیتی از سوی دادگاه های انقلاب و کیفری استان مرکزی و اعتراف گیرهای اجباری تحت شکنجه و آزار، دست به اعتصاب غذا زدند.

- یاسر احمدی نژاد، وکیل دادگستری و فعال کارگری شناخته شده استان خوزستان، با

-روز ۱۵ تیر صلاح خوشنمک، کولبر جوان اهل روستای دوماله در شهرستان مریوان، در پی تیراندازی مستقیم نیروهای هنگ مرزی در ارتفاعات مرزی و یسه کشته شد. این جنایت حکومتی تنها چند روز پس از قتل وزیر رحیمی و وایرال شدن ویدئو دادخواهی دختر او (سوما رحیمی) در شبکه های اجتماعی صورت گرفت.

-روز ۱۴ تیر بازنشستگان تامین اجتماعی در شهر شوش در اعتراض به وخامت وضع معیشتی و بی پاسخ ماندن خواسته هایشان در ادامه یکشنبه های اعتراضی خود تجمع کردند و با سردادن سرود زیر بار ستم نمیکشیم زندگی جان فدا میکنیم در ره آزادی صدای اعتراض خود را علیه شرایط توحش و بردگی حاکم اعلام کرد.

-۱۴ تیر شریفه محمدی فعال کارگری پس از سه ماه مرخصی و عدم موافقت با تمدید آن، به زندان لاکان رشت بازگشت. محمدی که پیش تر با حکم اعدام مواجه بود، در حالی به زندان بازگردانده شده که خانواده او طی روزهای گذشته با فشارهای روحی و بیماری مادرش مواجه بوده اند.

-اعتراض کارگران شرکت "ایران برک" در اعتراض به عدم پرداخت ماهها مزد و محرومیت از حق بیمه همچنان ادامه دارد.

-دستگاه قضایی جمهوری اسلامی برای ۵ نفر از بازداشت شدگان دی ماه در شهرستان محلات حکم اعدام صادر کرده است. اسامی آنها عبارتند از: قاسم اصلانی (کارگر و نگهبان گلخانه)، علی محلوچی (راننده اتوبوس، پدر دو فرزند و با سابقه ۲۰ سال خدمت در تورهای زیارتی)، حسین شکوهی (کارگر معدن و سنگبری)، حسام عیسایی (موبایل فروش) و عرفان خلیلی (کارگر سوپرمارکت)

-روز شنبه ۱۳ تیرماه ۱۴۰۵، شماری از کارگران معدن مس درخشان تخت گنبد شهرستان سیرجان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق سه ماه گذشته خود دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

- روز دهم و یازدهم تیر ماه مردم مهاباد در اعتراض به قتل سیاوش الک توسط یک مزدور رژیم دست به راهپیمایی و تجمع زدند و مغازه داران دست به اعتصاب زدند. - تحركات اعتراضی در دانشگاه وسعت میگیرد. اعتراضات دانشجویان علیه وضع نابسامان آموزش بویژه در این دوره به حضوری شدن امتحانات است. روز نهم تیرماه دانشجویان دانشگاه آزاد کرج، تهران و اهواز دست به تجمع اعتراضی زدند. معترضان نسبت به شیوه برنامه ریزی امتحانی و افت شدید کیفیت خدمات آموزشی در طول ترم انتقاد دارند.

- روز دوشنبه ۸ تیر مردم گرمسار متحد و یکصدا و بصورت جمع های خانوادگی علیه بی آبی به خیابان آمدند و با فریاد "گرمسار تشنه آب است" صدای اعتراض خود را بلند کردند.

- روز هشتم تیرماه کارکنان مرکز بهداشت تبریز در اعتراض به تبعیض حقوقی و سطح نازل حقوقها در مقابل دانشگاه علوم پزشکی تبریز تجمع کردند.

خبرهایی از ...

فریاد دادخواهی سوما دختر کولبری که به قتل رسید من نه فقط صدای دادخواهی پدرم هستم بلکه صدای همه کولبرانی هستم که در سکوت کشته شدند



روز جمعه ۱۲ تیرماه، اسلحه حکومت دزدان و قاتلان، جان وزیر رحیمی، کولبر ۵۷ ساله را در مناطق مرزی نوسود گرفت. او پدر پنج فرزند که بدلیل فقر و بیکاری و برای تامین معاش خانواده ۲۰ سال بود به کولبری روی آورده بود و بدست مزدوران جنایتکار مرزی حکومت به قتل رسید.

وزیر رحیمی اولین قربانی نیست. طبق آمار سازمانهای حقوق بشری در هشت سال گذشته حدود ۲۰۰۰ کولبر در نوار مرزی غرب کشور کشته و یا زخمی شده اند که بیش از ۷۰ درصد این موارد در اثر تیراندازی ماموران حکومت سرمایه داران بوقوع پیوسته است. سوما دختر وی در ویدئویی فریاد دادخواهی اش را بلند کرده و میگوید که او نه فقط صدای دادخواهی پدرش بلکه صدای همه کولبرانی است که در سکوت کشته شده اند. او از شبکه های اجتماعی خواست که با پخش ویدئوی اش مردم را در جریان قتل حکومتی پدرش که تنها دلخوشی زندگیش بود قرار دهند تا با او هم صدا شوند. فریاد سوما، کیفرخواست هزاران کولبر علیه جانیان حاکم است.

قتل حکومتی یک زحمتکش در روزی اتفاق افتاد که رژیم سیرک جنازه چرخانی رهبرش را آغاز کرد. وزیر رحیمی در حالی در راه تهیه نان خانواده به قتل رسید که میلیاردها تومان هزینه جنازه چرخانی دیکتاتور جنایتکار میشود. سوما تنها نیست. صدایش باشیم. برگرفته از مدیای اجتماعی

گذشت ۴ ماه از بازداشتش همچنان در زندان یاسوج، استان کهگیلویه و بویراحمد، محبوس است. او به ۴۲ ماه حبس (سه سال و شش ماه) محکوم شده است. یاسر احمدی نژاد در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۴۰۴ بازداشت شد.

- فاطمه سپهری، زندانی سیاسی ۶۲ ساله محبوس در زندان وکیل آباد مشهد، از روز چهارشنبه ۲۷ خرداد در اعتراض به تداوم فشارها، بی توجهی به خواستهای خود و شرایط نگهداری خود، دست به اعتصاب غذا زد. او از بیماری قلبی رنج می برد.

- روز نهم تیرماه کارزار "سه شنبه های نه به اعدام" در ۵۷ زندان مختلف هفته صدویست و هفتم خود را پشت سر گذاشت.

- حدود ۳۵۰ نفر از زندانیان سالن یک بند قرنطینه زندان وکیل آباد، در اعتراض به ضرب و شتم یک زندانی سیاسی روز چهارشنبه دهم تیرماه ۱۴۰۵، با خودداری از صرف وعده ناهار دست به اعتصاب غذا زدند.

- کارگران شهرداری نیکشهر در استان سیستان و بلوچستان، از تداوم تأخیر در پرداخت مطالبات مزدی و عدم اجرای احکام حقوقی سال جدید خبر دادند و نسبت به وضعیت بحرانی معیشت خود ابراز نگرانی کردند.

- کارگران شهرداری هرسین در استان کرمانشاه با ابراز نگرانی از روند نامنظم پرداخت ها تأکید دارند که در شرایط فعلی گرانی و افزایش هزینه های جاری، هر روز تأخیر در دریافت دستمزد، فشار مضاعفی بر سفره های آن ها وارد می کند.



- ۱۴ تیر شریفه محمدی فعال کارگری پس از سه ماه مرخصی و عدم موافقت با تمدید آن، به زندان لاکان رشت بازگشت. محمدی که پیش تر با حکم اعدام مواجه بود، در حالی به زندان بازگردانده شده که خانواده او طی روزهای گذشته با فشارهای روحی و بیماری مادرش مواجه بوده اند... شریفه محمدی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.



پیش بسوی اعتصابات سراسری!

اخباری از اعتراضات در زندانها و دستگیریها و احضارها



در روز نهم تیرماه به اتهام "اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور" به سه سال و شش ماه و یک روز حبس، و به اتهام "تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی" به هفت ماه و شانزده روز حبس محکوم شده است. سندیکای شرکت واحد طی بیانیه ای صدور این حکم را برای رضا مسلمی محکوم کرده و بر آزادی فوری و بدون قید و شرط وی تاکید نموده است.

یک کارزار مهم معلمان و کارگران پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات با خواست بسته شدن تمامی پرونده های امنیتی، آزادی همه معترضین زندانی و زندانیان سیاسی و توقف اعدامها و لغو مجازات اعدام است.

کمپین برای آزادی زندانیان سیاسی صدای اعتراض مردم ایران است و بر آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام و توقف اعدامها تاکید دارد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (free them now)

۱۲ تیر ۱۴۰۵، ۳ ژوئیه ۲۰۲۶

FREE THEM NOW

DURING THE BLOODY CRACK-DOWN ON PROTESTS BY THE ISLAMIC REGIME, TENS OF THOUSANDS HAVE BEEN ARRESTED, WITH THE OUTBREAK OF THE WAR, ARRESTS HAVE INCREASED. AMONG THOSE DETAINED ARE NUMEROUS LABOR ACTIVISTS, TEACHERS, NURSES, AND CHILD RIGHTS ADVOCATES.

ALL DETAINEES FROM THE JANUARY MASSACRE, ALONG WITH ALL POLITICAL PRISONERS, MUST BE RELEASED IMMEDIATELY AND UNCONDITIONALLY.

ABBAS-DERIS SEDGH MOHAMMADI M-BAKHTYARI M-ZOHRABI BENROZ HAMATI SEPEIDH-GHOLIAN

K-MORADIAN R-MORADI F-BRAHIMZADEH M-RAOUF SINA KIANI Y-AHMADINEZHAD

ELHAM SALEHI M-NARIMANI KH-A-ESMAILI F-YEKTAIE M.H. MOSTAFA M-MEYDARYAN M-KHODAEI S-SATARINEZHAD A-HEKMATIRAD

F-RAHMANI A-IMANIKOTLAGH A-SHAPORI MEHDI NAZARI MASOUD KIANI SHERVIN HAMIDHI REZA TAHERI BEHZAD GHAVAMI IRAJ TOBBEHEHA

A-JAHANDIHI AMIR RAHIMI S-DADGHI CHEHRZADI BAKHTYAR REZVANI MALI ZAHMESH M-FARAHSHANDIZ A-JALALINEZHAD A-KHADEM

H-KHASTAR JAVAD L. NABRO A-MARDASI A-KARIMGOLAN ALI AHMADI M-FARAHSHANDIZ KEUMARS VEZVI AKHORAN KARIM GOLAN

R-AMANI FAR KOKAB BODAGHI ASGHAR HAJEB MOHAMMAD H. SEPEHRI SADEGH SEDGHAT M.H. DAVOUDI AHMAD ALIZADEH H-RAHAMZANFOR

BOYCOTT THE ISLAMIC REGIME OF IRAN!
THE LEADERS OF THIS REGIME MUST BE TRIED IN THE INTERNATIONAL
TRIBUNALS FOR THEIR CRIMES

WOMAN LIFE FREEDOM

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

اعتصاب ۳۵۰ زندانی در سالن یک بند قرنیه زندان وکل آباد

حدود ۳۵۰ نفر از زندانیان سالن یک بند قرنیه در زندان وکیل آباد در اعتراض به ضرب و شتم یک زندانی سیاسی توسط مسئولین زندان دست به اعتصاب غذا زدند. بنا بر خبرهای منتشر شده در این زندان مأموران امنیتی و وکیل بندهای این زندان، یکی از زندانیان سیاسی را به اتهام "بی احترامی به مأموران" به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند. به گفته شاهدان عینی شدت خشونت به حدی بوده که این زندانی دچار بی اختیاری در کنترل ادرار و مدفوع شده است. طبق خبرها زندانیان سیاسی در این بند در تماس کوتاهی با خانواده های خود ضمن گزارش این خبر خواستار حمایت و نظارت نهادهای بین المللی بر وضعیت بحرانی بند قرنیه زندان وکیل آباد مشهد شده اند.

اعتصاب غذای جمعی زندانیان سیاسی زندان مرکزی ساوه

در اعتراض به صدور احکام سنگین و ناعادلانه توسط بیدادگاههای حکومت اسلامی، حدود ۳۰ تن از معترضینی که در جریان اعتراضات دی ماه سال گذشته (۱۴۰۴) دستگیر شده بودند و اکنون در زندان مرکزی ساوه در استان مرکزی محبوس هستند، در اعتراض به صدور احکام سنگین و جنایتکارانه علیه معترضین بازداشتی و سناریوسازی های امنیتی از سوی دادگاههای انقلاب و کیفری استان مرکزی و اعتراف گیریهای اجباری تحت شکنجه و آزار، دست به اعتصاب غذا زدند. این زندانیان حدود شش ماه است که در شرایط دشواری در زندانند و در این مدت از حق دسترسی به وکلای مستقل و فرآیند دادرسی عادلانه محروم بوده اند.

صدای زندانیان سیاسی و خانواده های دادخواه را باید وسیعا در همه جا بازتاب داد. محاکمه سران جنایتکار جمهوری اسلامی خواست همه مردم به جان آمده است.

احکام تازه زندان علیه معلمان و فعالین کارگری

شعبه سوم دادگاه انقلاب اهواز جمهوری اسلامی، برای شماری از فعالین کارگری و معلمان معترض احکام تازه زندان صادر کرده است. از جمله احمد رضا نوچیان، محمد زمان کامروا، منیره افشاری، مریم زلکی نژاد و کوثر ممینی به ۳ سال حبس تعلیقی و ۲ سال ممنوع الخروجی از کشور محکوم شده اند.

فشارهای امنیتی بر روی معلمان معترض همچنان با شدت انجام میگردد. انجمن صنفی معلمان فارس از بازداشت جان محمد احمدی، رئیس انجمن صنفی معلمان نورآباد ممسنی و احضار کوکب بدایغی پگاه، معلم معترض در خوزستان، و انتقال مسعود فرهیخته به سلول انفرادی خبر میدهد. انجمن صنفی معلمان فارس نیز از احضار و بازداشت دهها دبیر و آموزگار شاغل و بازنشسته خبر داد. بعلاوه دادگاه انقلاب ایلام در تاریخ ۲۵ تیر احمد علیزاده از معلمان بازنشسته و فعال اجتماعی در آبدانان را با اتهامات "تبلیغ علیه نظام"، "تبلیغ به نفع گروه های مخالف" و "اهانت به بنیان گذار و رهبر جمهوری اسلامی" به دو سال حبس (با احتساب ایام بازداشت پیشین) محکوم کرده است. احمد علیزاده همچنین به مجازات های تکمیلی ای از جمله یک سال ممنوعیت خروج از کشور، ابطال گذرنامه و انجام یک هزار و ۸۰ ساعت خدمات عمومی رایگان در شهرداری آبدانان محکوم شده است. در شهرستان مانه در استان خراسان شمالی نیز یکی از معلمان ابتدایی به اسم آریا نورانی در زندان بوده است و پس از دو هفته با تودیع وثیقه به طور موقت آزاد شد. اما اکنون پس از تشکیل جلسه دادگاه و بررسی پرونده، به ۱۴ ماه حبس محکوم گردیده است.

خبر دیگر مربوط به حکم زندان برای رضا مسلمی معلم معترض در همدان است که

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



کیفرخواست علیه قتل عامی هولناک

قرب شش ماه از قتل عام هولناک دی ماه خونین می گذرد. تنها در دو روز هجدهم و نوزدهم، صف معترضین خیزش دی ماه که برای رهایی و علیه نابودی معیشت شان به خیابان آمده بودند به گلوله بسته شد و هزاران نفر به قتل رسیدند. تاریخی که به نقطه عطفی بدل شد که باید چشم بشریت به روی آن باز بماند تا محاکمه عاملین و آمرین جنایت خونین آرام نگیرد.

جنایتی که روی همه کشتارهای تائکوننی را سفید کرد و از آن به عنوان هولوکاست اسلامی و نسل کشی یاد می شود.

جنایتکاران آگاهانه شریف ترین انسانها، که با مشتهای اعتراض و فریادهای حق خواهی به میدان آمده بودند را به مسلخ کشاندند و با بیرحمی تمام سلاخی کردند و به کودک، پیر و جوان رحم نکردند

جان عزیزانمان را گرفتند و جسم بی جانیشان را برای نمایش سناریوی شوک آور مرگ به گروگان گرفتند

تلاش کردند با نمایش هولناک انبوهی از اجساد بر زمین ریخته شده به پیکرهای پاک عزیزانمان بی حرمتی کنند و از مردم معترض زهر چشم بگیرند. ما دادخواهان را برای گرفتن پیکر پاک عزیزانمان تحت فشارهای مالی و روانی قرار دادند.

گمان می کردند می توانند با ایجاد وحشت و ارباب مرگ، شور زندگی عزیزانمان را به زیر خاک فرو برند.

هر پیکری که از سیل کیسه های مشکی شوم بر دوش خانواده ها روان می شد به نمادی از زندگی و عصیان بدل شد

ما با پیکر عزیزانمان پایکوبی کردیم و رقص کنان آنان را به خاک سپردیم، تا یاد جاودانه شان، خواب را از چشم قاتلان بریاید.

اجازه نمی دهیم خاک مرگ بر نام جاویدنامان پاشند.

آنها زنده ترین نامها باقی خواهند ماند.

نام هایشان پرچم دادخواهی همه ما می باشد.

کیفرخواست دی ماه خونین با فریاد "نمیبخشیم" دادخواهان همراه می شود و از دادخواهان خاوران پشت درب های بسته تا به امروز همه با هم یکصدا هستیم. صف دادخواهی ما دیگر نه فقط خانواده های جانبختگان که به گستره ی همه مردم ایران است

ما زخمی در دی ماه خونین خوردیم که تا محاکمه کشاندن همه آمرین و عاملین کشتار عزیزانمان مرحوم نخواهد گرفت.

بین ما و حاکمان دریایی از خون است
از خاک سپاری پیکرهای شریف ترین انسانها، جوانه ها می رویند و نوید آزادی خواهند شد و گورسپاری جنایتکاران، حکم نابودی شریان پلیدیهاست.
کیفرخواست ما علیه جنایتکاران قاتل، پرچم دادخواهی ماست.
اجازه نمی دهیم نام و یاد عزیزانمان گرد فراموشی بگیرد.
اجازه نمی دهیم بشریت چشمش را به روی هولناک ترین قتل عام خیابانی توسط حکومت ببندد.

ما دادخواهان به همراه همه مردم معترض خواهان محاکمه و مجازات همه آمرین و عاملین کشتار دی ماه و همه جنایتهای چندین دهه جمهوری اسلامی هستیم. پرونده کشتار #دیماه_۱۴۰۴ و جنایات جمهوری اسلامی را به دادگاههای بین المللی ببریم و اعلام کیفرخواست کنیم.
#نه_میبخشیم_نه_فراموش_میکنیم
#دادخواهی_ادامه_دارد
دادخواهان دی ماه

از همه خانواده های دادخواه دی ماه خونین می خواهیم به این کیفرخواست بپیوندند و موارد دادخواست خود را به کیفرخواست اضافه کنند.

نهاد دادخواهان-۱۴ تیر ۱۴۰۵
برگرفته از مدیای اجتماعی

یوتل ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

KANAL DADJAD

کانال جدید